

نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه در سه دهه اخیر

دکتر عباس مصلی نژاد^۱ سمانه اکبری^۲

چکیده

توسعه و توسعه نیافتگی از مهم ترین چالش ها و دغدغه های صاحب نظران علوم اجتماعی، نخبگان سیاسی و دولت های تاریخ معاصر در کشورهای در حال توسعه محسوب می شود. در چند دهه اخیر، کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته کوشیده اند؛ خود را از قید و بند توسعه نیافتگی رها ساخته و با دستیابی به توسعه اقتصادی، شرایط مناسبی را برای زندگی افراد جامعه فراهم نمایند. دولت های این کشورها در فرایند توسعه، با چالش ها و رویکردهای گوناگون اقتصادی مواجه بوده اند. وظیفه آغازین دولت ها در جوامع، حفظ نظم و تأمین امنیت بود در حالی که با گسترش و پیچیدگی روابط انسانی، نقش و وظایف دولت نیز گسترش یافت و ابعاد مختلفی از فعالیت های اقتصادی و غیر اقتصادی را شامل گردید؛ اما این که چه حدی برای دخالت دولت در اقتصاد وجود دارد، سوالی پیچیده است که دیدگاه ها و مکاتب متفاوتی را در جهان موجب شده است. رشد و توسعه اقتصادی پر شتاب در کشور ترکیه طی دهه های اخیر، سوالات جدی را در بین مردم، دولتمردان و نخبگان علمی و سیاسی، پیرامون چرایی و چگونگی توسعه اقتصادی در ترکیه مطرح کرده است. فرضیه این پژوهش این است که در کشور ترکیه طی سه دهه اخیر دولت توسعه گرا شکل گرفته و این دولت در هماهنگی با بخش خصوصی، رشد و توسعه اقتصادی را برای این کشور به ارمغان آورده است.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه اقتصادی، دولت، دولت توسعه گرا، اقتصاد سیاسی، ترکیه.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۲۳

^۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول) Email: Mossalanejad@Mossalanejad.com

^۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای - خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه تهران.

مقدمه

تئوری های توسعه از دهه ۱۹۵۰، جایگاه قابل توجهی در نظریات علوم سیاسی به دست آورده اند که این اعتبار و جایگاه مرهون تحولات و ضرورت های بین المللی بوده است. تحولات سیاسی و اقتصادی در جهان سوم به گونه ای بی وقفه تداوم یافته و ضرورت تغییرات ساختاری در کشورهای نوظهور را اجتناب ناپذیر نموده است. در چنین شرایطی، حوزه سیاست تطبیقی از تحرک ویژه ای برخوردار شده و نظریات ارائه شده در این حوزه مبتنی بر سازو کارهای های اداره جامعه و همچنین گذار جوامع سنتی به شکل گیر های اقتصادی و سیاسی مدرن مبتنی شده است (مصلی نژاد، ۱۳۸۴، ۱).

طی سال های گذشته، اقتصاددانان مکاتب مختلف توسعه اقتصادی، نظرات گسترده ای را در ارتباط با جایگاه اقتصادی دولت و نقش آن در راهبردهای توسعه ارائه نموده اند. این نظرات متناسب با شرایط حاکم در هر دوران تغییراتی داشته و دامنه وسیعی از نقش ها همچون: «پذیرش نقش فعال» برای دولت تا نظریه های «دولت شر» و در نهایت تعریف جدید نقش دولت به عنوان «نهادی مکمل در کنار بخش خصوصی» را شامل می شود. به عبارتی در دیدگاه جدید که مورد قبول بسیاری از کشورها می باشد، مدارج توسعه بالاتر در حالی قابل دسترسی است که در کنار دولت توسعه گرا، برای برخورداری از یک بخش خصوصی قدرتمند سیاست گذاری شود (حسینی و شفیع، ۱۳۸۶، ۱۳۲).

مقاله حاضر، در هفت بخش با هدف «بررسی نقش دولت در برنامه های توسعه اقتصاد ترکیه» تدوین شده است: بخش اول مفاهیم را تعریف می نماید. بخش دوم به بررسی نقش دولت ها در توسعه اقتصادی و بخش سوم به بررسی نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه می پردازد. بخش چهارم خصوصی سازی در ترکیه و بخش پنجم روند جذب سرمایه های خارجی در ترکیه را بررسی می نماید. بخش ششم به عملکرد ترکیه در مهار تورم و در بخش هفتم نیز به روند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا اشاره می نماید و در نهایت جمع بندی و نتیجه گیری ارائه شده است.

تعریف مفاهیم

توسعه: معنای لغوی توسعه، از پوشش و لفاف بیرون آمدن است. از نیمه قرن هجدهم تحقق و شکوفایی پتانسیل های موجود در هر چیزی، رشد و تکامل یک ارگانسیم از صورتی ساده به گونه ای پیچیده تر و بالغ تر و بالاتر در تعریف توسعه بکار رفت. همین معنا بعد در حوزه اجتماعی به عنوان تکامل نظام های اجتماعی انسانی از اشکال ساده تر به پیچیده تر و بالغ تر و بالا تر بکار رفت (Riggs, 1984, P.126). به نظر دیوید اپتر^۱ توسعه عبارت است از بسط و گسترش انتخاب و دسترسی به طیف گسترده ای از جایگزین ها از طریق شبکه های نقش ها، طبقات و نهادها برای افراد و گروهها (Apter, 1987, pp16-17). به طور کلی توسعه به معنای حرکت به سمت جلو طبق یک سری شاخص های معین است. توسعه دارای ابعاد گسترده ای چون توسعه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است.

توسعه اقتصادی: وضعیتی است که در آن علاوه بر رشد شاخص های کمی اقتصاد، شاخص های کیفی نیز بهبود یابد. دادلی سیرز^۲ اقتصاددان معروف توسعه سه معیار برای توسعه مطرح کرده که عبارتند از رفع فقر، نابرابری و بیکاری. وی اعلام نمود که هر کشوری به هر میزان فقر، نابرابری و بیکاری را کاهش داده به همان میزان توسعه یافته است و گرنه توسعه یافته نیست حتی اگر درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی آن کشور بالا رفته باشد (Dudley Seers, 1979, pp.10-13). شاخص های توسعه اقتصادی عبارتند از: افزایش درآمد سرانه، رشد تولید ناخالص ملی، توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات، افزایش امید به زندگی، رفع فقر و بیکاری، رفع نابرابری های اجتماعی و اقتصادی، صنعتی شدن و افزایش شهرنشینی.

دولت: دولت سازمانی است که «انحصار استفاده از زور مشروع را در یک سرزمین معین در اختیار دارد». دولت ها از چهار عنصر مردم، سرزمین، حکومت و حاکمیت تشکیل شده اند. در حال حاضر، دولت ها واحدهای سازمان یافته ای هستند که سازمان ملل متحد نیز آنها را به رسمیت می شناسد (قوام، ۱۳۸۰: ۲۰).

بازار: بازار سازمانی است که مصرف و تولید کالاها و خدمات را از طریق معاملات داوطلبانه هماهنگ می کند. اگر بازار بتواند به تخصیص مطلوب منابع از نظر اجتماعی دست یابد، دیگر نیازی به دخالت قهری دولت در فعالیت های اقتصادی نخواهد بود. به هر حال، بازار نمی تواند به بهینگی در همه فعالیت های اقتصادی دست یابد. نارسایی بازار و دغدغه خاطر برای تأمین عدالت اجتماعی دو دلیل عقلی و اقتصادی است که دخالت دولت را توجیه می کند. به عقیده نویسندگان گزارش بانک جهانی، بازارها و دولت ها بعنوان مکمل یکدیگر عمل می کنند. به دیگر سخن، وجود دولت برای تأمین مناسب بنیان های بازارها، حیاتی است و پذیرش اجتماعی و اعتبار دولت ها در جذب سرمایه گذاری های بخش خصوصی همان اهمیتی را دارد که محتوای این نقش ها و سیاست ها دارند (بانک جهانی، ۱۳۷۸: ۱-۹).

دولت های توسعه گرا: دولت های توسعه گرا در سلطه نخبگان ناسیونالیست و توسعه گرای سرسخت قرار دارند. این دولت ها در مواردی که جامعه مدنی ضعیف باشد، با ترکیب سرکوب و مشروعیت، قدرت، اقتدار، استقلال و توانایی قابل ملاحظه ای را در نهادهای سیاسی و به ویژه بوروکراتیک دولت، به خصوص بروکراسی های اقتصادی متمرکز کرده و برای دستیابی به اهدافی که در زمینه توسعه دارند، ظرفیت بنیادین عظیمی را ایجاد می کنند. ویژگی بارز دولت های توسعه گرا این است که نیازهای توسعه، اهداف سیاسی و ساختارهای نهادی آنها را تعیین می کند. و در همین حال، اهداف توسعه گرایانه آنها دارای انگیزه های سیاسی است (لفت ویچ، ۱۳۷۸: ۴۰۴). بنابراین مهم ترین اجزاء ترکیبی دولت توسعه گرا عبارت است از: اجماع نخبگان توسعه خواه، استقلال نسبی دولت، دیوانسالاری کارآمد، جامعه مدنی تابع، کارایی اقتصادی بالا و مشروعیت و حسن عملکرد کارکردی.

نقش دولت در توسعه اقتصادی

تاریخ و سیر تحولات توسعه شاهد سه مرحله مختلف از جهت گیری نسبت به مداخله دولت هاست: مرحله اول که دولت را عامل اصلی و نیروی غالب توسعه قلمداد می کرد، بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم شروع و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی ادامه یافت.

مرحله دوم که مترادف با ظهور مجدد اندیشه های نئوکلاسیکی در اقتصاد توسعه است، فاصله زمانی ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۷ را در بر می گیرد.

مرحله سوم با انتشار کتاب «نقش دولت در جهان در حال تحول» به وسیله بانک جهانی در سال ۱۹۹۷ شروع شده و هنوز هم ادامه دارد (بانک جهانی، ۱۳۷۸).

بعد از جنگ جهانی دوم، ظهور کشورهای تازه استقلال یافته از یک سو و نیز خروج برخی دیگر از کشورها از فضای نیمه استعماری، بحث توسعه این کشورها را در عرصه ی نظریه پردازی جهان وارد فاز جدیدی نمود. کوشش برای سرعت بخشیدن به جبران عقب ماندگی ها و تلاش برای ایجاد رفاه، دولت را به عنوان یکی از مهم ترین و حیاتی ترین عوامل موثر در توسعه این کشورها مطرح ساخت. بنابراین در این مرحله از فرایند توسعه دولت به عنوان محرک اصلی توسعه (پیشران) ایفای نقش می کرد.

گسترش حضور و دخالت دولت تا دهه ۱۹۷۰ در این کشورها هم چنان ادامه داشت تا این که اندک اندک هزینه های اتخاذ این راهبرد در قالب بحران بدهی، کسری بودجه شدید دولت ها، وابستگی فزاینده اقتصاد به بخش عمومی و ... نمایان شد. بروز این مشکلات در کنار فروپاشی شوروی آغازگر دیدمان جدیدی در توسعه و سیاست گذاری توسعه در این کشورها گردید (دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) (مومنی، ۳۷۴: ۶). در چنین فضایی بود که نظریه «دولت شر» طرح و ضرورت اتخاذ سیاست های تعدیل ساختاری مطرح گردید. فضای غالب در این دوران نفی دخالت دولت، انجام آزادسازی و مقررات زدایی، خصوصی سازی، ثبات اقتصاد کلان با تأکید بر کنترل تورم و کسری بودجه و واقعی کردن قیمت ها و اتکای صرف به ساز و کار قیمت ها بود. اما در عمل اتخاذ سیاست های مذکور منجر به افزایش تورم، بحران بدهی ها، کاهش شدید ارزش پول ملی، فرار سرمایه، کاهش شدید استانداردهای

زندگی، افزایش نابرابری و افزایش عمده در فقر شهری و روستایی و ... در اغلب کشورهای اجراکننده این سیاست ها گردید. این مشکلات با شوک نفتی ایجاد شده در آن زمان تشدید و منجر به ایجاد رکود عمومی در این کشورها شد (Adelman, 1999).

در این شرایط، افکار متجدد در ادبیات توسعه اقتصادی با عنوان «اجماع پساواشنگتنی^۳» شکل گرفت. بانک جهانی که تا این زمان به عنوان یکی از طراحان اصلی سیاست های تعدیل اقتصادی شناخته می شد، از اوایل دهه ۱۹۹۰ به بعد بر عدم کارایی سیاست های تعدیل و لزوم انتخاب چارچوب تازه سیاست گذاری پافشاری کرد. بر این اساس ژوزف استیگلیتز^۴ معاون وقت بانک جهانی، از ترکیب پویای کنش های متقابل دولت بازار حمایت می کند که در این کنش های متقابل، دولت های توسعه گرا نقش مهمی در سرمایه گذاری و تأمین بودجه آن، شکل گیری سرمایه انسانی، کسب فناوری، تأسیس نهادها و پیش برد اصلاحات سیاستی و نهادی دارند. از نگاه استیگلیتز هدف توسعه چیزی فراتر از برداشت متعارف از آن، یعنی رشد تولید ناخالص داخلی است. این اهداف شامل افزایش سطح بهداشت و درمان و آموزش، حفظ و بهبود محیط زیست، افزایش و حمایت از ایجاد فرصت ها برای تمامی شهروندان جهت مشارکت در سیاست گذاری های اقتصادی و اجتماعی می باشد. تمرکز بر هدف رشد اقتصادی نه تنها ابزارها را با اهداف اشتباه می گیرد، بلکه جای علت و معلول را نیز اشتباه فرض می کند (Stieglitz, 1998 a, 6 – 7).

دولت دارای نقش مشخصی در ارتقای عملکرد اقتصادی است که باید آن را هم در سطوح اقتصاد کلان و هم اقتصاد خرد ایفا کند. بازارها بهترین راه سازماندهی تولید و توزیع کالاها و خدمات هستند، اما موارد مهمی وجود دارند که در آنها بازارها عاجز از تولید نتایج کارا هستند. اگر چه بسیاری از موفق ترین موارد توسعه حکایت از واکنش دولت ها به این موارد نقصان در کارکرد بازار دارند و این کار نه با جایگزین کردن بازارها بلکه با استفاده از بازارها و تکمیل آنها و حتی کمک به ایجاد آنها انجام گرفته است (استیگلیتز، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

در ادبیات جدید توسعه اعتقاد بر این است که دولت در طول فعالیت های بخش خصوصی قرار دارد؛ به عبارت بهتر دولت در فعالیت های اقتصادی نقش مکمل بخش خصوصی را ایفا می کند. البته دولت در این شرایط صرفاً تا جایی مجاز به فعالیت است که فرایند توسعه را تسریع کند.

نقش دولت در توسعه اقتصادی ترکیه:

روند تحولات اقتصادی - سیاسی در کشور ترکیه در قرن بیستم را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

• دوره نفوذ احزاب چپ - میانه:

دوره نفوذ احزاب چپ - میانه، چون حزب «جمهوری خواه خلق»، که با روی کار آمدن مصطفی کمال (آتاتورک^۵) قهرمان جنگ با انگلیس در ۱۹۱۶ شروع شد. او پایه گذار جامعه ای سکولار با نگرش چپ اقتصادی گردید، هر چند روسیه را دشمن ترکیه می دانست که برای انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ آماده می شد. این حزب، کشور ترکیه را تا اوایل دهه ۱۹۸۰ اداره کرد و نفوذ خود در آن کشور را تا ۱۹۹۵ - منتهی در سطحی ضعیف تر - حفظ نمود. هنوز این حزب ۲۱ درصد کرسی های مجلس را در اختیار دارد، هر چند نگرش آنها در طی زمان و تحت تأثیر تحولات بین المللی تغییر کرده است (بهکیش، ۱۳۸۹: ۵ - ۶).

ترکیه جدید، حاصل ضعف امپراتوری عثمانی بود که با ظهور جنبش مشهور به ترک های جوان و آموزه های مصطفی کمال پاشا، معروف به آتاتورک، در سال ۱۹۲۳ تشکیل شد. طی ۱۵ سال رهبری آتاتورک بر جمهوری ترکیه، تلاش فراوان شد تا با تغییر خط به لاتین و جایگزین کردن فرهنگ غربی به جای فرهنگ اسلامی - سنتی، هویت جدیدی از ترکیه شکل گیرد. از همین رو هدف اصلی آتاتورک حاکم کردن راهبرد و مشی لائیسزم و سکولاریسم بر ترکیه، بی محتوا کردن اسلام و منطبق نمودن آن با دولت مدرن ترکیه بود (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۴).

ترکیه در دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی تغییرات اجتماعی - سیاسی سریعی را در قالبی جدید و به قصد رسیدن به توانی معادل غرب تجربه کرد، ولی آتاتورک رهبر فرایند غربی سازی این حرکت در دنیای اسلام هیچ گونه ایدئولوژی اقتصادی و اجتماعی روشنی نداشت. هدف عمده او تغییر جامعه ترک، به ویژه از نظر فرهنگی و سیاسی، درجهتی غربی بود. البته پس از

فروپاشی امپراتوری عثمانی ساختن ملتی جدید و بهبود اوضاع اقتصادی، به دنبال دوره ای طولانی از جنگ ها و تشنج ها، هم از درون جامعه و هم از نظر بین المللی، ضروری بود. اما این کار به غایت دشوار و مهم نیاز به تفکری قوی، انتقادی و ابتکاری داشت که در مورد ترکیه این دوره (۱۹۲۰ - ۱۹۵۰) مفقود بود. به جای آن، تقلید از غرب و پیروی از الزامات اقتصاد جهانی در این دوره تعیین کننده، دنبال شد. تناقض ها و ناستواری ها در ایدئولوژی کمالیستی و اجرا و اعمال آن ایدئولوژی به زور و از بالا از طریق فرایندی که می توان آن را «شبه نوسازی» نامید منجر به بروز بحران های عمده ای در پایان این دوره شد (موتقی، بی تا، ۱۵۲).

شدت تجدد گرایی و ویرانگری فرهنگی آتاتورک چنان بود که مقدسات دینی نیز از دستبرد آن مصون نماند تا آن جا که قرآن به زبان ترکی ترجمه و تلاوت می شد و اذان و دعا نیز به ترکی معمول شد. همچنین او تاریخ هجری را به میلادی تغییر داد و به بهانه پیشبرد امور اداری مملکت و هم آهنگی با دول اروپایی، روزهای یک شنبه را به جای جمعه تعطیل کرد. وی در مورد تغییر پوشش مردم گفت: «از هر نظر که بنگرید، باید خودمان را با تمدن غرب انطباق دهیم و طرز فکر و زندگی ما باید سراپا رنگ تمدن امروز را به خود بگیرد. ما باید مانند انسانهای قرن بیستم، از کفش، شلوار، پیراهن، کراوات و بالاتر از همه این ها از کلاه لبه دار استفاده کنیم» (علوی پیام، ۱۳۸۹: ۱۹).

در ۱۹۳۱ هنگامی که آتاتورک دوران تمرکز گرایی اقتصادی توسط دولت را آغاز کرد، مداخله دولت در اقتصاد امری گریز ناپذیر بود. کاهش شدید بهای محصولات کشاورزی در نتیجه رکود اقتصاد جهانی، صنعتی سازی کشور را ضروری ساخته بود. اما بخش خصوصی ترکیه، دارای توان مالی لازم برای مشارکت در یک پروژه صنعتی سازی جدی نبود. به این جهت، ترکیه تبدیل به یکی از نخستین کشورهای در حال توسعه شد که از راه برنامه ریزی مرکزی به پیش می رفت (جدول ۱). با مرگ آتاتورک در ۱۹۳۸ حکومت تبدیل به مرکز ثقل اقتصاد ترکیه شده بود.

جدول ۱: درصد رشد تولید ناخالص ملی ترکیه در خلال سال های ۱۹۲۳-۱۹۳۸

سال	۱۹۲۳	۱۹۲۴	۱۹۲۵	۱۹۲۶	۱۹۲۷	۱۹۲۸	۱۹۲۹	۱۹۳۰
درصد رشد	-	۱۴/۶	۱۲/۹	۱۶/۲	-۱۲/۹	۱۱	۲۱/۶	۲/۲
سال	۱۹۳۱	۱۹۳۲	۱۹۳۳	۱۹۳۴	۱۹۳۵	۱۹۳۶	۱۹۳۷	۱۹۳۸
درصد رشد	۸/۷	-۱۰/۷	۱۵/۸	۶	-۳	۲۳/۲	۱/۵	۹/۵

Source: State Institute of Statistics (SIS), Publication No. 1883. Statistical Indicators 1923-1995, Ankara 1996. P. 426, Table 21.4.

یکی از نتایج تمرکز گرایی، رشد سریع بوروکراسی دولتی بود که تا ۱۹۴۵ حدود ۱۸۴ هزار نفر را به کار گمارده بود. سیاست های تمرکز گرایی دولتی تا سال ۱۹۵۰ ادامه یافت، تا این که «حزب دموکرات» جای «حزب جمهوری خواه مردم» به عنوان حزب حاکم را گرفت. با وجود وعده دموکرات ها مبنی بر کاهش مداخلات دولت، امپراتوری اقتصادی دولت در خلال دهه ۱۹۵۰ دست نخورده ماند. با پایان دهه ۱۹۷۰، شرکت ها و موسسات دولتی (SEE)، ۱۶ درصد نیروی کار کشاورزی را جذب خود کرده بودند، در حالی که سرمایه گذاری عام در حوزه ساخت و تولید به ۶۵ درصد افزایش یافته بود. در ۱۹۷۸ درآمدهای دولت از تولید ناخالص داخلی بهبود یافته و تولید ناخالص ملی نیز رشدی معادل ۱/۴ را نشان می دهد (جدول ۲).

جدول ۲: درصد رشد تولید ناخالص ملی ترکیه در خلال سال های ۱۹۷۴-۱۹۸۰

سال	درصد افزایش قیمت	درصد میزان رشد تولید ناخالص ملی (GNP)	درصد میزان رشد جمعیت	درصد میزان سرانه رشد تولید ناخالص ملی (GNP)
۱۹۷۴	۳۳/۲	۳/۷	۲/۵	۱/۲
۱۹۷۵	۱۸/۹	۶/۳	۲/۵	۳/۸
۱۹۷۶	۱۵	۹/۳	۲/۴	۶/۹
۱۹۷۷	۲۵/۵	۳	۲/۳	۷
۱۹۷۸	۴۷/۴	۱/۴	۲/۲	-۰/۸
۱۹۷۹	۷۱/۲	-۰/۷	۲/۲	-۲/۹
۱۹۸۰	۹۴/۹	-۲/۳	۲/۱	-۴/۴

Source: State Institute of Statistics (SIS), Publication No. 1883; Statistical Indicators 1995-1923, Ankara 1996.

دولت ترکیه شدیداً وابسته به منابع درآمدی داخلی بود. به طور میانگین، مالیات ها بیش از ۸۰ درصد مجموع درآمدهای دولت را تشکیل می دادند. پیامد اقتصادی این اتکا و وابستگی این بود که دولت ناگزیر بود تا برای افزایش درآمد خود، میزان تولید داخلی را افزایش دهد (شامبیانی، ۱۳۷۸: ۷).

در اوایل دهه ۱۹۷۰، پولی که کارگران ترک شاغل در خارج از کشور به ترکیه می فرستادند، به یک منبع مهم ارز خارجی برای کشور تبدیل شد. البته این پول های ارسالی متعلق به دولت نبود، بلکه به تک تک هزاران کارگر یادشده تعلق داشت. میزان پول های ارسالی طی سالیان به شکلی گسترده در نوسان بوده و به این ترتیب یک منبع ارزی ناپایدار و نامطمئن به شمار می رفته است. جهت کنترل بخش خصوصی در حال ظهور و پاسخ به نیازهای آن در اوایل دهه ۱۹۵۰ دولت ترکیه راه حلی مبتنی بر سپردن اقتصاد کشور به شرکت ها و بنگاه های اقتصادی را در پیش گرفت. بخش خصوصی به سه گروه تقسیم شد که هر گروه را یک سازمان شاخص نمایندگی می کرد: اتحادیه اتاق های کشاورزی، کنفدراسیون تجار و صنوف و سازندگان صنایع دستی و اتحادیه های اتاق بازرگانی، صنایع و تبادلات اقلام تجاری، که بیشتر با مخفف ترکی اش TOBB شناخته می شود. TOBB با تأسیس در سال ۱۹۵۲ نمایندگی گروه های تجاری و بخش تولیدی و صنعتی تازه در حال ظهور را بر عهده داشت. TOBB که به سرعت تبدیل به مهم ترین سازمان بخش خصوصی شد، عمدتاً به هدف اعمال کنترل دولت بر بخش خصوصی و پاسخ به نیازها و تأمین تقاضاهای آن طراحی شده بود. عضویت TOBB شامل سه دسته سازمان می شد: اتاق های صنایع، اتاق های بازرگانی و اتاق های صنایع و بازرگانی. تنوع و گستردگی عضویت در TOBB خیلی زود سبب پدید آمدن شکاف در درون بخش خصوصی شده و به ظهور سازمان ها و نهادهای تازه انجامید. رقابت میان این گروه ها و تشکیلات، به محو و حذف تدریجی استقلال و خودگردانی حکومت انجامید و سهم عمده ای در ایجاد بحران اقتصادی و سیاسی دهه ۱۹۷۰ ایفا کرد.

شکاف ها و منازعات درون بخش خصوصی به پیدایش و تشکیل مؤسسه صاحبان صنایع و بازرگانان ترکیه^۷ (TUSIAD) و حزب نجات ملی^۸ (NSP) انجامید (شامبیانی، ۱۳۷۸: ۹).

• دوره نفوذ احزاب راست - میانه:

دوره نفوذ احزاب راست میانه، با روی کار آمدن حزب «مام میهن» توسط تورگوت اوزال در ۱۹۸۳ شروع شد. در این دوره ضمن ادامه اعتقاد به سکولاریزم، اقتصاد ترکیه از نگرش چپ فاصله گرفت و با روند جهانی شدن همراه گردید و در نتیجه تغییر جهت جدی در اقتصاد پایه گذاری شد زیرا ساز و کار اقتصاد بازار حکم فرما گردید و موجبات تحولاتی شگرف را در اقتصاد ترکیه فراهم آورد. بخشی از این تحولات در جهت بهره برداری هشیارانه آن کشور از امکان گسترش مبادلات با ایران سازمان یافت که تحت تأثیر شرایط جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران در اختیار اقتصاد ترکیه قرار گرفته بود (بهکیش، ۱۳۸۹: ۶).

اقدامات اوزال زیرساخت های جامعه ترکیه را عمیقاً متحول کرد و این اقدامات معطوف به تضعیف سلطه دولت بر اقتصاد و به تبع آن بر جامعه و سیاست بود؛ زیرا از یک منظر سیستمی اقتصاد بازار به عنوان یک زیر سیستم نمی تواند با نظام سیاسی اقتدارگرا و دولت محور و یک جامعه سنتی پدرسالار همزیستی داشته باشد.

از دهه ۵۰ تا اواخر دهه ۷۰، اقتصاد ترکیه همانند اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اقتصاد مبتنی بر جایگزینی واردات بود که در آن کنترل تجارت، ارز خارجی و اعتبارات بانکی توسط دولت اصلی ترین ویژگی اقتصاد بود و باعث بدتر شدن موازنه حساب جاری و منفی شدن نرخ بهره می گردید. این فضای سیاسی و اقتصادی باعث رشد رفتارهای رانت جویانه در میان تجار و مردم شد. اما در پی بحران ایجاد شده در موازنه پرداخت ها در اواخر دهه ۷۰، ترکیه با تأثیرپذیری از جریان های جامعه بین المللی در صدد برآمد دولت محوری در اقتصاد را تغییر دهد (جدول ۳). در پی این بحران اقتصادی، ترکیه به محل آزمون برنامه مشترک بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IMF)^۴ برای پیشبرد برنامه اصلاحات اقتصادی به منظور خروج از بحران ها تبدیل شد. هدف از اجرای برنامه این نهاد های بین المللی در ترکیه، با ثبات کردن و آزادسازی اقتصاد بسته و درون نگر ترکیه و تبدیل آن به یک اقتصاد برون نگر و مدلی برای سایر کشورهای کمتر توسعه یافته بود (قهرمان پور، ۱۳۸۴: ۲۱۹ - ۲۲۱).

جدول ۳: درصد رشد سالیانه و سرانه تولید ناخالص ملی ترکیه در خلال سال های ۱۹۸۳-۱۹۸۱

سال	درصد افزایش سالیانه قیمت	درصد میزان رشد سالیانه تولید ناخالص ملی (GNP)	درصد میزان رشد جمعیت	درصد میزان سرانه رشد تولید ناخالص ملی (GNP)
۱۹۸۱	۴۲/۴	۵/۳	۲/۲	۳/۱
۱۹۸۲	۲۸/۲	۳/۷	۲/۲	۱/۵
۱۹۸۳	۲۶/۲	۴/۶	۲/۳	۲/۳

Source: State Institute of Statistics (SIS), Publication No. 1883; Statistical Indicators 1995-1923, Ankara 1996.

تحولات اساسی اقتصادی دهه هشتاد

الف - نرخهای انعطاف پذیر ارز:

نرخ تبدیل و برابری لیر ترک نسبت به ارزهای معتبر خارجی که به نظر می رسید به شکل مصنوعی و با فشار دولت ترکیه تثبیت شده است؛ طی دهه هشتاد به کاهش های اساسی دست یافت. این تنزل ارزش لیر ترکیه تا حدود ۴۹ درصد، اولین گام در ثابت نگه داشتن نرخ تبدیل ارز بود. (ALI H BAYAR, 1996, 778).

ب - اعمال سیاست ریاضت اقتصادی و تلاش در توسعه صادرات:

«اوزال» و گروه او، مشکل بنیادی اقتصاد ترکیه را درونگرایی آن تشخیص دادند. گذشته از کاهش ارزش واقعی پول ترکیه، بسیاری از سیاست های دیگر نیز که در اوایل دهه ۱۹۸۰ به اجرا درآمد، در جهت افزایش صادرات طراحی شده بود. مجموعه سیاست های ریاضت اقتصادی ۱۹۸۰ در جهت کاهش تقاضای داخلی و طبعاً تأثیر بر بازار داخلی به منظور ایجاد انگیزه صادرات طراحی شده بود. دولت برای قطعیت بخشیدن بیشتر به این روند، طرح سوبسید صادرات مشتمل بر تخفیف های اعتبارات صادرات و نگهداری اسعار (ارز) را به اجرا در آورد.

ج - اصلاح شرکت های دولتی و واگذاری آنها به بخش خصوصی:

به رغم اولویت بالای مسئله خصوصی سازی، پیشرفت در این زمینه کند و تنها مورد عمده، مربوط به فروش سهم دولت در شرکت مخبرات «تله تاس» بوده است.

د - آزادسازی مالی و اعطای ترجیحات به صادرات.

ه - آزادسازی واردات:

گام عمده در زمینه آزادسازی واردات در سال ۱۹۸۴ برداشته شد. یعنی ۴ سال پس از شروع برنامه های اصلاحی - از آن سال به بعد در نظام واردات بطور صریح تعیین می شود که ورود چه کالایی ممنوع است و چه کالایی باید با مجوز وارد شود.

و - تشویق سرمایه گذاری مستقیم خارجی:

علیرغم تسهیلات ایجاد شده، نقش و سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ترکیه تاکنون بسیار محدود بوده است (امین اسماعیلی، بی تا: ۱۱۲ - ۱۱۳).

بعد از سال ۱۹۸۴ نتایج اصلاحات در اقتصاد ترکیه خود را نشان داد. به تدریج سرمایه گذاری خصوصی بالا رفت، رشد واقعی GNP^{10} تسریع شد و رشد صادرات کالاها و خدمات ادامه یافت. اقتصاد ترکیه میان سال های ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱، ۷/۵ درصد رشد داشت. از ۱۹۸۶، پیشرفت هایی به منظور ثبات اقتصاد تورم زده ناشی از رشد تدریجی کسری بخش دولتی، صورت پذیرفت و در طول دوره ۱۹۹۲ - ۱۹۸۵ ترکیه توانست به نرخ رشدی در حد ۷ درصد دست یابد. (Ann O. Krueger, 1995, p. 344). وضعیت برخی از شاخص های اقتصادی و تجاری ترکیه در دهه ۸۰ و ۹۰ در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴: وضعیت صادرات، واردات و تراز مالی ترکیه را در خلال دهه ۸۰ و ۹۰ (میلیون دلار آمریکا).

سال	واردات (CIF)	صادرات (FOB)	کسری تجاری	تراز مالی
۱۹۸۳	۲۳۵,۹	۵/۷۲۸	-۳/۵۰۷	-۲/۱۲۳
۱۹۸۴	۱۰/۷۵۷	۷/۱۳۴	-۲/۹۴۲	-۱/۴۳۹
۱۹۸۵	۱۱/۳۴۴	۷/۹۵۸	-۲/۹۷۵	-۱/۰۱۳
۱۹۸۶	۱۱/۱۰۵	۷/۴۵۶	-۳/۰۸۱	-۱/۴۶۵
۱۹۸۷	۱۴/۱۵۷	۱۰/۱۹۰	-۳/۲۲۹	-۸۰۶
۱۹۸۸	۱۴/۳۳۵	۱۱/۶۶۲	-۱/۷۷۷	+۱/۵۹۶
۱۹۸۹	۱۵/۷۹۲	۱۱/۶۲۵	-۴/۲۱۹	+۹۶۱
۱۹۹۰	۲۲/۳۰۲	۱۲/۹۶۰	-۹/۵۵۵	-۲/۶۲۵
۱۹۹۱	۲۱/۰۴۷	۱۳/۵۹۳	-۷/۴۵۵	+۲۵۷

Source: State Institute of Statistics (SIS), Publication No. 1883; Statistical Indicators 1995-1923, Ankara 1996.

در سال ۹۲ تورم رشد بی سابقه ای یافت و به مرز ۷۰ درصد نزدیک شد. سرعت افزایش تورم در این دوره تأثیر زیادی در نابرابری درآمدها ایجاد کرد که منجر به بی نظمی های داخلی شد. این سال به دلیل عدم موفقیت دولت در مهار تورم، رشد بیکاری، نابرابری و بی عدالتی در توزیع درآمدها و واگذاری مؤسسات دولتی به بخش خصوصی سال نامطلوبی از نظر اقتصادی بود (ALI H BAYAR, 1996, 778). تورم بالا و کاهش ارزش لیره ترکیه در سال ۱۹۹۴ منجر به اوضاع دشواری گردید. دسته ای از تحولات منفی مانند افزایش نرخ بهره، رکود در بازارهای اعتباری و آسیب پذیری نرخ مبادله ارز، رشد نامنظم و کاهش تقاضاهای داخلی موجب شد تا دولت ترکیه در ۱۹۹۴ مجموعه ای از تمهیدات ثبات بخش اقتصادی و ساختاری را در پیش گیرد. (قاسمی، ۱۳۷۴: ۱۰۷). در این رابطه مهم ترین اهداف دولت در بخش عمومی اقتصاد، کاهش کسری تجاری بود که به طور عمده فشارهای تورمی را کم می نمود. عملکرد کلان اقتصادی ترکیه در دوره ۱۹۹۵ - ۱۹۹۷ شاهد بهترین رشد اقتصادی این کشور تحت حمایت گسترش ملی و سیاست پولی مناسب، بوده است.

در سال ۱۹۹۹ نرخ رشد تولید ناخالص ملی ترکیه به منفی ۶/۱ رسید که بزرگ ترین افول تولید ناخالص ملی این کشور در طول سال های بعد از جنگ جهانی دوم بود (جدول ۵).

جدول ۵: درصد رشد تولید ناخالص ملی ترکیه در خلال سال های ۱۹۹۸-۱۹۹۹

سال	درصد رشد تولید ناخالص ملی	درصد رشد جمعیت	درصد سرانه رشد تولید ناخالص ملی
۱۹۹۸	۳/۹	۱/۸	۲/۱
۱۹۹۹	-۶/۱	-۱/۷	-۷/۸

Source: Turkey Ministry of Finance 2002. Annual Report, P.17.

تا پایان این سال، دولت ترکیه با توجه به آثار تورمی بالا و نرخ بهره بر عملکرد اقتصادی ترکیه در ۲۵ سال گذشته تمرکز خود را متوجه برنامه اقتصادی با هدف آزادسازی کشور از تورم و ایجاد افق های رشد و شرایط بهتر زندگی برای بخشی از مردم ترکیه نمود و برای انجام این کار به سراغ صندوق بین المللی پول رفت. برنامه مذکور شامل سه اصل می شد: تمهیدات پولی، اصلاحات ساختاری و نرخ مبادله ارز ثابت. تحت تأثیر این برنامه رشد تولید ناخالص ملی ترکیه در سال ۲۰۰۰ به ۵/۵ درصد رسید. با این حال بحران مالی سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ آسیب پذیری اقتصاد ترکیه و بویژه بخش بانکداری را افزایش داده و موجب بی ثباتی های جدی در بازارهای مالی شده است و با وجود اجرای برنامه های جدید برای تقویت اقتصاد، در سال ۲۰۰۱ تولید ناخالص ملی با کاهش ۹/۵ درصدی رو به رو شد (خزائی، ۱۳۸۶).

پیامدهای سیاست های نئولیبرال اقتصادی اوزال در دهه ۸۰:

الف - تضعیف سنت دولت سالاری:

جمهوری ترکیه که از خاکستر امپراتوری عثمانی برخاسته، برخی از مهم ترین خصایص آن از جمله دولت سالاری را به ارث برده است. دولت سالاری یا استاتیسیم، یکی از اصول شش گانه آتاتورک بود. دولت گرایی در کمالیسم به نظامی ارجاع می دهد که در آن دولت، فعالانه برای منافع اقتصادی حیاتی و عمومی مردم مشارکت می کند. حتی اگر کار و فعالیت خصوصی را ایده ای اساسی تلقی کند - تا در کوتاه ترین زمان ممکن برای ملت و کشور، سعادت مندی پدید آید. هدف از استاتیسیم، توسعه اقتصاد ملی به وسیله آزادسازی آن از قید وابستگی خارجی و تقویت بنگاه های محلی تحت نظارت دولت بود. کمالیست ها در این مورد متأثر از تجارب سوسیالیستی بودند.

به همین دلیل نخبگان کمالیست و در رأس آنها نظامیان، همواره از مدافعان نقش مؤثر دولت در اقتصاد بوده و با هر نوع اقدامی که به تضعیف نقش دولت منجر شود، مخالفت کرده اند. رابطه تنگاتنگ دولت گرایی با پوپولیسم به عنوان یکی دیگر از اصول کمالیسم، نخبگان سیاسی کمالیست را نیز تشویق می کرد برای حفظ محبوبیت مردمی خود در مقابل خصوصی سازی و کاهش نقش دولت مخالفت کنند. اقدامات اوزال در مورد خصوصی سازی، جزء اولین اقدامات مؤثر در دوران جمهوریت بود که نقش مسلط دولت در اقتصاد و بعدها سیاست و جامعه را به چالش کشید و به نیروهای غیر دولتی امکان داد در عرصه های مختلف ایفاء نقش کنند. این امر زمینه ساز ظهور یک جامعه مدنی در دهه ۹۰ بود که به نوبه خود، نزدیکی ترکیه به اتحادیه اروپا را تسهیل می کرد (قهرمان پور، ۱۳۸۴: ۲۲۳).

ب - ظهور سرمایه سبز یا آتاتولی:

در کنار TUSIAD که در سال ۱۹۷۱ تشکیل شد و متشکل از صنایع بزرگ بود، در دهه ۸۰ و به واسطه سیاست های آزادسازی اوزال، زمینه ظهور صاحبان حرفه کوچک و متوسط پدید آمد که سرانجام در MUSIAD^{۱۱} یا انجمن مستقل تجار و صنعتگران، گرد هم آمده و به یکی از اصلی ترین حامیان حزب عدالت و توسعه تبدیل شدند. سرمایه آتاتولی از سه گروه عمده تشکیل شده است: ۱ - تجار مذهبی محافظه کار؛ ۲ - شرکت هایی که صاحبان آنها فرقه های مذهبی (طریقت) یا جماعات مذهبی هستند؛ ۳ - شرکت های دارای سهامداران متعدد.

از سال ۱۹۸۳ به بعد بانکداری بدون بهره در ترکیه به منظور تأسیس شرکت های مالی ویژه، قانونی شد. از آن زمان به بعد، این شرکت ها در جذب پول های افرادی که خواستار بانکداری بدون ربا هستند، نقش مهمی ایفا کرده اند. آنها به دو روش به انباشت سرمایه کمک کردند: نخست اینکه سرمایه های مسلمانانی را که اعتقادی به بانکداری با بهره نداشتند، جذب کرده و سپس همین

پول ها را به شرکت هایی دادند که حاضر به استفاده از وام های با بهره نبودند. این شرکت ها در ابتدا برای جلب اعتماد، خود را به عنوان شرکت های خارجی سرمایه گذار معرفی می کردند اما بعد از اعتمادسازی، هویت خود را آشکار کردند. ظهور ببرهای آناتولی در عرصه اقتصادی باعث تقویت موقعیت اسلام گرایان در عرصه داخلی گردید که نمونه آشکار آن حمایت آنها از حزب عدالت و توسعه است. گرچه ورود اسلام گرایان به عرصه سیاسی در ابتدا با افت و خیزها و بی ثباتی هایی همراه بود، ولی در نهایت زمینه تقویت جامعه مدنی و تحکیم دموکراسی در ترکیه را فراهم کرد که این امر نیز محصول عملکرد اوزال بود (قهرمان پور، ۱۳۸۴: ۲۲۴).

ج - تقویت بخش خصوصی:

اساس ظهور اقتصاد بازار، وجود یک بخش خصوصی قدرتمند است. پیش از اصلاحات اقتصادی اوزال، بخش خصوصی در ترکیه در اصل بخش خصوصی نبود، بلکه از رانت حمایت های دولتی و سیاستمداران استفاده می کرد و به این ترتیب، مانع رقابت واقعی می شد. در کنار این تجار بزرگ که از رانت های دولتی استفاده می کرد، بوروکراسی قدرتمند نیز تا حد زیادی مخصوص خصوصی سازی و رشد بخش خصوصی بود. اصلاحات اقتصادی دوران اوزال، زمینه را برای رشد و ظهور بخش خصوصی واقعی در ترکیه فراهم کرد که آثار آن هم اکنون چه در حوزه اقتصادی و چه در حوزه سیاسی مشهود است؛ یعنی دولت ترکیه در همه موارد، حرف آخر را نمی زند. توجه ترکیه به آسیای مرکزی و قفقاز و تا حدی بالکان، نتیجه نفوذ بخش خصوصی و لابی های قدرتمندی بود که دارای منافع اقتصادی و فرهنگی در این زمینه بودند.

منظور از کمالیسم، ایدئولوژی نخبگان سکولار وفادار به کمال آتاتورک است که حاضر به پذیرش تغییر در این ایدئولوژی نیستند و آن را خلاف قانونی اساسی و حتی گاهی خیانت به ترکیه می دانند. ایدئولوژی کمالیسم در اصل پوششی برای سلطه نخبگان سکولار بر ارکان قدرت در ترکیه بود و از آنجا که ایدئولوژی مزبور اساساً محافظه کار بود، از این رو با هر نوع تغییر و تحول عمده در عرصه اقتصاد و سیاست مخالفت می کرد. سیاست های اوزال در حوزه اقتصاد اولین و مؤثرترین حرکت در راستای تضعیف ایدئولوژی کمالیسم بود که البته با پایان جنگ سرد نیز این روند تشدید شد. تضعیف کمالیسم به نوبه خود به تضعیف سکولاریسم افراطی از نوع فرانسوی و تبدیل آن به سکولاریسم آنگلوساکسونی، تضعیف نقش مسلط دولت در اقتصاد و تضعیف ناسیونالیسم افراطی ترکی منجر شد که پیامدهای آن در عرصه های مختلف نظیر پیوستن به اتحادیه اروپا، اجرای خصوصی سازی، توجه به مقوله حقوق بشر و حقوق اقلیت ها مشهود است (قهرمان پور، ۲۰۰۳: ۳۸۴).

• دوره نفوذ حزب عدالت و توسعه:

سومین دوره تاریخی در روند تحولات ترکیه متعلق به دوره ای است که رویکرد اسلامی در آن کشور شکل رسمی پیدا کرد و با ظهور حزب «عدالت و توسعه»، اداره کشور از سال ۲۰۰۲ رسماً در دست اسلام گرایان قرار گرفت. به عبارت دیگر ضمن حفظ اصول کلی سکولاریسم سنتی ترکیه (که از ۱۹۲۳ تاکنون ادامه دارد) و پیروی از اصول اقتصاد آزاد که در دهه ۱۹۸۰ پایه گذاری شد، گرایش های مذهبی مردم به صحنه سیاسی و اقتصادی جامعه نفوذ کرد و نظامی متفاوت با ایران را به وجود آورد که ترکیبی است از سکولاریزم، آزادی اقتصادی و حفظ رویکرد اسلامی (بهکیش، ۱۳۸۹: ۱۱).

مشکلات اقتصادی ترکیه و ضعف دولت ها موجب شد که انتخابات زود هنگام پارلمانی در سال ۲۰۰۲ برگزار شود. در این زمان حزب عدالت و توسعه در انتخابات برخی از مناطق شهرداری ها موفقیت هایی کسب کرده بود و در شهرداری استانبول عملکرد بسیار خوبی ارائه داده بود. عملکرد موفق و شعارهای اعتدال گرایانه این حزب موجب شد تا در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۲ پیروزی چشمگیری نصیب آن شود. حزب عدالت و توسعه با درس گرفتن از اشتباهات احزاب رفاه و فضیلت، از شکاف های اجتماعی موجود در جامعه ترکیه و نیز نارضایتی مردم از احزاب بر سر قدرت، نهایت استفاده را برد و توانست اکثریت مطلق را در پارلمان ترکیه بدست آورد که در نوع خود طی یک دهه گذشته، امری بی سابقه بود. بنیان گذار حزب عدالت و توسعه اعلام کرد که حزب جدید از دموکراسی، سکولاریسم، عدالت و رفاه اجتماعی حمایت می کند و قصد دارد ترکیه را یک کشور ثروتمند

بسازد. (Marcie J. Patton, 1996, P. 515). اردوغان نزدیکی هر چه بیشتر به اتحادیه اروپا و آغاز مذاکرات الحاق را در سرلوحه برنامه های سیاست خارجی خود قرار داد تا بتواند در عرصه داخلی، مخالفان خود را غیر مستقیم تحت فشار قرار دهد. مشی این دولت پس از به قدرت رسیدن در ارتباط با مسائل داخلی و خارجی اعتدال و میانه روی بوده است (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۹).

اونیش اصلی ترین دلایل پیروزی حزب عدالت و توسعه را در سه مورد خلاصه می کند:

- ۱ - این حزب توانست با موفقیت، یک اعتلاف فرا طبقاتی از برندگان و بازندگان سیاست های اقتصادی نئولیبرال تشکیل دهد. حمایت تجار و به ویژه بخش های تجاری کوچک و متوسط، اساس قدرت آن بود.
- ۲ - سابقه عملکرد قدرتمند احزاب اسلام گرای سلف AKP (یعنی احزاب رفاه و فضیلت) در سطح شهرداری ها نقش مهمی در پیروزی حزب عدالت و توسعه داشت.

۳ - شکست احزاب راست گرا و چپ گرا در حل بحران های اقتصادی، رسیدن به یک رشد اقتصادی پایدار و مقابله با فساد گسترده از دیگر عوامل مؤثر در پیروزی این حزب بود (قهرمان پور، ۱۳۸۴: ۲۳۸ - ۲۳۹).

شاید یکی از علل عمده شکست احزاب سیاسی در ترکیه تشدید بحران اقتصادی در این کشور باشد، اما از علل عمده پیروزی حزب اسلامگرای عدالت و توسعه و رأی دادن مردم به برنامه این حزب، برقراری عدالت، احترام به دین و آیین اسلامی مردم، جلوگیری از دخالت نظامیان در کلیه امور کشور، اعتراض به هم پیمانی لائیک های حاکم با آمریکا و رژیم صهیونیستی و اعتراض به تداوم بحران اقتصادی، فساد و بیکاری بوده است (نشریه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۱).

رجب طیب اردوغان در همان روز اول پیروزی بسیاری از مرزبندی های خود را آشکار ساخت و همچون یک کارکشته سیاسی، از ترسیم خط قرمزهای حساسیت برانگیز خودداری کرد. برخلاف نجم الدین اربکان که پس از پیروزی حزب اسلامگرای رفاه در انتخابات سال ۱۹۹۶ ترکیه نظام لائیک هشتاد ساله ترکیه را به چالش طلبید و از همان ابتدا بر سنت اسلامی ترکیه تأکید کرد و حساسیت لائیک های افراطی و نظامیان را برانگیخت، اردوغان بی درنگ اعلام کرد که وی و حزیش به نظام لائیک ترکیه متعهد هستند و تأکید کرد که گوشت و نان مردم را از اولویت حذف نخواهد کرد. معنی آن این است که نیازهای اولیه مردم را فدای اعتقادات آنان نخواهد کرد اردوغان تأکید کرد که از الحاق به اتحادیه اروپا استقبال و آن را با تمام توان پیگیری خواهد کرد و حتی افزود ترکیه تحت حاکمیت حزب او می تواند نقش پل رابطی را بین اروپا و خاورمیانه بازی کند. به رغم حساسیت های منطقه ای، با جنگ آمریکا و عراق مخالفت نکرد ولی حمایت از آن را منوط به موافقت شورای امنیت دانست، تأکیدی بر خروج از پیمان ناتو نداشت، در مورد روابط با اسرائیل سکوت کرد و حتی در یک جا نقطه نظراتش را به گونه ای بیان کرد که معنی اش این بود «ما از آن اسلامگراهایی که فکر می کنید نیستیم»، برای کاهش حساسیت غرب و در مصاحبه با خبرنگاران بر این اصرار داشت که حزب عدالت و توسعه ترکیه قرار نیست به سبک احزاب «دموکرات مسیحی» کشورهای اروپایی نقش حزب «دموکرات اسلامی» را بر عهده بگیرد و حتی از آن پیشتر رفت و از هواداران حزیش خواست خیلی جشن و پایکوبی برپا نکنند و به منظور نشان دادن حساسیت کافی بر بحران اقتصادی، اظهار داشت که مخالف الحاق ترکیه به اقتصاد جهانی نیست و حتی از برنامه ۳۱ میلیارد IMF دلاری برای بازسازی اقتصاد ترکیه حمایت می کند (روستایی، ۱۳۸۱).

برخلاف دیدگاه های منتقدان، دولت اردوغان بیش از هر دولت دیگر ترکیه و به گونه ای تأثیرگذارتر از اسلاف خود موفق به انجام اصلاحات و فراهم آوردن فضایی لیبرال در کشور شده است. او موفق به تقویت روابط آنکارا با اتحادیه اروپایی و ایالات متحده امریکا شده است. ظهور و اوج گیری حزب عدالت و توسعه و کارآمدی آن در مدیریت ترکیه داستانی امیدبخش است. عملکرد موفقیت آمیز این حزب در ترکیه موجب شده برخی از آن به عنوان الگویی مناسب برای جنبش های سیاسی، مذهبی در جهان اسلام یاد کنند. تا آنجا که به ترکیه و حزب عدالت و توسعه مربوط می شود گفته می شود تحول نیروهای اسلامگرای

متجدد به واسطه فشار خارجی برای انجام اصلاحات زمینه را برای ظهور حزبی چون عدالت و توسعه فراهم آورد (نشریه اعتماد، ۱۳۸۳).

عدالت و توسعه در اقتصاد موفق بوده و توانسته در جذب سرمایه خارجی خوب عمل کند. اما دیگر احزاب در برنامه هایشان گفته بودند راه را بر خارجی ها خواهند بست. این برای تجار ترکیه خوشایند نیست. عدالت و توسعه در این سال ها توانست نرخ تورم را مهار کند و ارزش لیر ترک را با برداشتن صفرهای بیشمارش افزایش دهد. در این دوران روابط تجاری ترکیه با بسیاری از کشورهای منطقه از جمله ایران هم افزایش یافت و سرمایه گذاری شرکت های غربی در بانک های این کشور هم رشد قابل ملاحظه ای کرد (کوهنورد، ۱۳۸۶).

در خصوص وجود یک «جامعه اقتصادی»، دولت حزب عدالت و توسعه یک مزیت نسبت به دولت های پیشین ترکیه داشته است. این حزب نشان داده است که دموکراسی تحکیم یافته نوین، نیازمند مجموعه ای از هنجارها، نهادها و مقررات طراحی شده سیاسی - اجتماعی و مورد پذیرش سیاسی - اجتماعی هستند که ترک ها آن را جامعه اقتصادی می نامند که میان دولت و بازار میانجی گری می کنند. به همین سبب سران حزب عدالت و توسعه برای تحکیم دموکراسی و توسعه یک جامعه مدنی آزاد و سرزنده، از دو متغیر اقتصادی حمایت می کنند. در واقع این متغیرها در راستای اهداف کوچک کردن دولت در ترکیه تعریف می شود. بدین ترتیب، بهترین فضای مانور برای کنترل دو نوع تنش سیاسی در آنکارا اقدامات عملگرایانه (پراگماتیستی) بود؛ از این رو، اردوغان با تمرکز بر حوزه اقتصاد و اعلام وفاداری به برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی کوشید روی شکست برنامه های اقتصادی احزاب چپ و راست سرمایه گذاری کند.

در صورتی که دولت حزب حاکم دولت و توسعه میراث دار بدهی هنگفت داخلی و خارجی حاصل دوران حاکمیت نظامیان نمی بود، و این بدهی و بهره آن به دوش دولت و ملت ترکیه سنگینی نمی کرد، دولت فعلی این کشور با عملکردی که در مدیریت اقتصاد این کشور داشته، در مدت سه ماه اخیر می توانست ۱۰ میلیارد و ۲۳۲ میلیون تومان لیر ترک جدید (معادل ۷/۷ میلیارد دلار) مازاد در تراز بودجه داشته باشد (نشریه ابرار، ۱۳۸۵).

کارنامه حزب عدالت و توسعه در دوران طولانی زمامداری اش، ادامه مشی اربکان را به روشنی نشان نمی دهد. راهبرد اربکان این بود: «ما جزو احزابی که نماینده نظامند، نیستیم»، در حالی که اردوغان می گوید: «ما نیز یکی از احزاب عادی، چون حزب دموکراتیک مندرس یا حزب عدالت دمیرل، هستیم» یعنی اربکان در صدد تغییر ساختار لائیک ترکیه بود، در حالی که اردوغان چنین قصدی ندارد (ابوتراب، ۱۳۹۰: ۵۶).

دولت اردوغان با اتخاذ سیاست اصلاحات اقتصادی از جمله خصوصی سازی، تعامل بیشتر در روابط خارجی و همراهی با اقتصاد جهانی توانست در مدت ۵ سال تحولات مهمی در اوضاع اقتصادی ترکیه ایجاد کند و با تقویت اقتصاد ترکیه، رضایت عمومی را جلب کند (واعظی، ۱۳۸۶، ص ۵).

اصلاحات سیاسی و حقوقی نیز به نوبه خود اصلاحات اقتصادی را تقویت خواهند کرد و از این رو تطبیق قوانین داخلی ترکیه با قوانین اتحادیه اروپا موجب خواهد شد، شفافیت و کارآمدی اقتصادی در ترکیه باز هم افزایش پیدا کند و بخش غیر رسمی اقتصادی و فساد، قاچاق و پولشویی در حد قابل توجهی کاهش یابد (قهرمان پور، ۱۳۸۴: ۴۲).

برخی از سیاست ها و عملکردهای اقتصادی دولت اردوغان را می توان به شرح زیر فهرست کرد:

- جذب سرمایه خارجی از طریق خصوصی سازی بنگاه های اقتصادی، به ویژه در عرصه صنایع مرتبط با نفت و گاز، بانکداری و بنادر بزرگ؛

- کنترل مؤثر تورم و تک رقمی کردن آن (نرخ تورم در سال ۲۰۰۴ به ۹/۳ درصد کاهش یافت که این رقم طی ۳۰ سال گذشته در تاریخ ترکیه بی سابقه بوده است. در حالی که در سال های آغازین سده جدید میلادی نرخ تورم در ترکیه سه رقمی بوده است)؛

- کاهش نرخ بیکاری تا ۱۰ درصد؛

-افزایش درصد رشد اقتصادی (نمودار ۱).

-افزایش ارزش پول ترکیه (لیر) در مقابل ارزهای خارجی؛

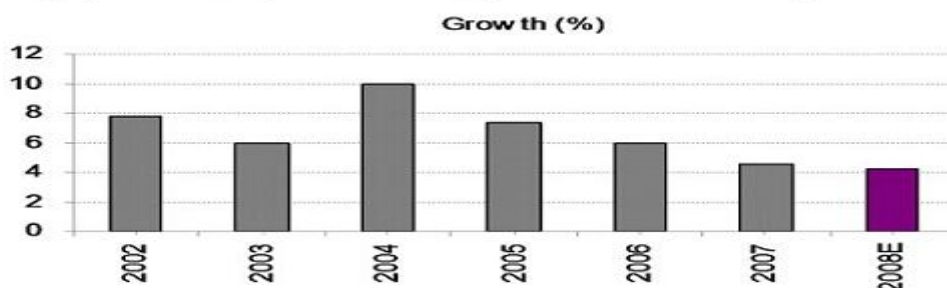
- کاهش نرخ بیکاری تا ۱۰ درصد؛

-افزایش ارزش پول ترکیه (لیر) در مقابل ارزهای خارجی؛

-افزایش درآمد سرانه ملی ترکیه به حدود ۷۴۰۰ دلار؛

-استمرار رشد تولید ناخالص داخلی به صورت معدل ۶ درصد در سال های اخیر؛

نمودار ۱- روند رشد اقتصادی ترکیه در سال ۲۰۰۴ نسبت به سال های پیشین



E: Garanti Securities Estimate

Source: Garanti Security Estimate Institution, 2009.

- افزایش صادرات؛

- جلب اعتماد بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با در پیش گرفتن اصلاحات اقتصادی و استراتژی توسعه صادرات به منظور

اخذ وام های کم بهره از این نهادهای بین المللی؛

- افزایش تعهد و مسئولیت پذیری نهادهای دولتی و عمومی در برابر شهروندان؛

- کاهش محسوس فساد اداری و مالی در بدنه حکومت (واعظی، ۳۸۷: ۵۱).

به نظر می رسد که مهم ترین دلیل پیروزی حزب عدالت و توسعه را می باید در کارآمدی و دستاوردهای این حزب جستجو نمود چرا که ماندگارترین و مؤثرترین عامل توفیق این حزب مسائل اقتصادی می باشد.

اردوغان، برخلاف پدران معنویت که به دنبال «نظام اقتصادی اسلامی» بودند، سرمایه داری و اسلام را با هم در تضاد نمی دید. او اقتصاد کشور را باز و آزاد کرد و امروزه توانسته است پایگاه اجتماعی و حمایتی خود در میان جامعه را توسعه بخشد. ترکیه پس از ۸ سال حکومت اردوغان بسیار ثروتمند و مدرن تر از بیست سال پیش، زمانی که به عنوان کشوری فقیر تقاضای عضویت در اتحادیه اروپا را کرده شده است.

انجمن صاحبان صنایع و بازرگانان ترکیه (TUSIAD)

بخشی از صنعتگران خصوصی ترکیه که بیشتر از ناحیه استانبول هستند، در انجمن صاحبان صنایع و بازرگانان ترکیه

(TUSIAD) جمع شده و ۵۵ درصد از ارزش افزوده تولید ملی ترکیه را در اختیار دارند و از آن به عنوان «باشگاه سرمایه داران»

ترکیه یاد می شود. تأثیر گذاری این انجمن در مواردی بیش از تصمیمات دولت است و رهبران صندوق بین المللی پول از تأثیر این

انجمن اطلاع دارند و برای مذاکره با مقامات ترک با رهبران این انجمن نیز مذاکره می کنند. (TUSIAD) که نقش بسیار مهمی

در شکل گیری تولید ناخالص ملی ترکیه دارد، به عنوان یک سازمان غیر دولتی مؤثر در جامعه ترکیه، اهرم فشار قوی شمرده شده

و شدیداً طرفدار رویکرد کامل ترکیه به غرب و همگرایی به اتحادیه اروپا با حفظ و تقویت ساختار نظام لائیک و دموکراتیک این کشور است. جایگاه این انجمن در سیاست خارجی و داخلی ترکیه نیز برای کشورهای غربی که در ارتباط با ترکیه هستند؛ تبیین شده است. اعضای این انجمن بیش تر با استقرار در بخش اروپایی ترکیه، بخش آسیایی را نیز در کنترل خود دارند. (TUSIAD) معتقد است برای ایجاد پویایی و ثبات در روند رو به رشد و ثبات در اقتصاد ترکیه باید دولت را به برنامه های اقتصادی، پایبند کرد (نشریه سرمایه، ۱۳۸۶).

این انجمن اقتصادی نگران آن بود که تأکید حزب عدالت و توسعه بر شعارهای اسلامی باعث افزایش تنش و بی ثباتی اقتصادی شود، اما حزب عدالت و توسعه در همان ماههای نخست، تعهد عمیق خود را به اصلاحات اقتصادی و خصوصی نشان داد؛ در نتیجه این امر، شاخص های اقتصادی ترکیه به صورت محسوسی بهبود یافت و (TUSIAD) که پیشتر نگران تأثیر بی ثبات کننده سیاست حزب عدالت و توسعه در اقتصاد بود، در تحلیل های اقتصادی خود وضعیت اقتصاد کلان را بهتر از قبل ترسیم نموده و از تعهد حکومت به اجرای اصلاحات اقتصادی حمایت کرد. نکته حائز اهمیت این است که اقدامات اقتصادی دولت اردوغان تا حد زیادی همان اقداماتی است که توسعه انتظار اجرای آنها را داشت.

انجمن صاحبان صنایع مستقل (MUSIAD)

محافظی که با عنوان صدای آنا تولی از آن ها یاد می شود، نمایندگان شرکت ها و مؤسسات اقتصادی کوچک، متوسط و بزرگ فعال در بخش آسیایی این کشور به شمار می روند و در مجموعه ای به نام انجمن صاحبان صنایع مستقل به (MUSIAD) گرد هم آمده اند. اعضای این انجمن پایداری زیادی به اعتقادات و سنن دینی و ملی این کشور دارند. اعضای انجمن اجرای برنامه ثبات اقتصادی را برای حل مشکلات مزمن اقتصادی اجتناب ناپذیر می دانند و معتقدند دولت بیش از این که تابع سرمایه بزرگ بین المللی و صندوق بین المللی پول باشد باید به فکر اصلاح و تقویت ساختار مؤسسات کوچک و متوسط و در کل بخش تولید باشد که ستون فقرات اقتصاد کشور را تشکیل می دهد. انتقاد عمده ای که صاحبان این تفکر نسبت به برنامه اقتصادی دولت آنکارا، وارد می کنند کاهش ارزش واحد پول ملی این کشور در قبال ارزشهای معتبر خارجی است (نشریه سرمایه، ۱۳۸۶).

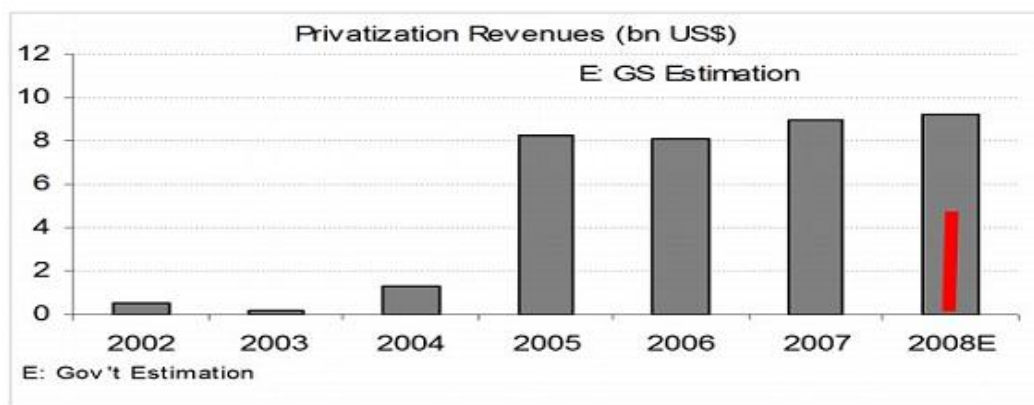
این انجمن اقتصادی بزرگ برخلاف (TUSIAD) از همان ابتدا از اصلی ترین حامیان حزب اردوغان بود. این انجمن در تحلیل های اقتصادی خود ضمن پذیرش اقدامات مثبت حکومت در ایجاد ثبات مالی، به کنترل تورم و احیای اقتصادی در دوران پس از بحران ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ تأکید می کند. (MUSIAD) معتقد است وابستگی به جریان سرمایه کوتاه مدت و پیامدهای ناشی از کسری حساب جاری می تواند پیامدهای منفی برای اقتصاد ترکیه به همراه داشته باشد. در حقیقت، بازوی اصلی اصلاحات حزب حاکم در خصوص مسائل خصوصی سازی این دو نهاد فراملی هستند.

۴ - خصوصی سازی در ترکیه:

تحولات اقتصادی چشم گیر دهه ۱۹۸۰ نشانه آغاز عصر جدیدی در اقتصاد جهانی بود که در آن خصوصی سازی به صورت یکی از مهم ترین و ضروری ترین اصلاحات پولی در برنامه کار اقتصادی بسیاری از کشورها قرار گرفت. خصوصی سازی که یکی از ابزارهای بنیادین اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد است، از سال ۱۹۸۴ در دستور کار ترکیه بوده است. خصوصی سازی در ترکیه از یک سو به کاهش هر چه بیشتر مداخله دولت در فعالیت های اقتصادی و نیز کاهش بار پولی بنگاههای اقتصادی دولتی بر بودجه ملی و از سوی دیگر، به توسعه بازارهای سرمایه و هدایت مجدد منابع به سوی سرمایه گذاری های جدید معطوف است.

دولت در جهت رفع مقابله و مقاومت مردمی و عدم هماهنگی و همکاری بین سازمان های وابسته، از طریق پایگاه های اطلاع رسانی، سمینارهای مختلف با مدیران شرکت ها، تشکیل جلسات پرسش و توزیع اطلاعات مکتوب شفافیت عملکرد را تا ۱۰۰ درصد افزایش داده است (نمودار ۲).

نمودار ۲- وضعیت درآمد ناشی از خصوصی سازی در ترکیه در خلال سال های ۲۰۰۲-۲۰۰۸



Source: Source: Garanti Security Estimate Institution, 2009.

به منظور مقابله با بحران بیکاری و تأثیرات اجتماعی منفی آن به کمک مشاوران بانک جهانی و با استفاده از تسهیلات مالی، تمهیدات و تسهیلاتی نظیر آموزش یکی از مشاغل کوچک جهت خود اشتغالی، معرفی افراد به بنگاههای تولیدی، ارائه تسهیلات مالی برای ایجاد بنگاه های کوچک در شهرهای دیگر و در نهایت نگهداری نیروهای مازاد شرکت ها بر اساس نظر خود افراد در بخش دولتی و وزارتخانه ها به منظور کاهش فشار بر بخش خصوصی و اخراج نشدن این نیروها و جلوگیری از افزایش بیکاری در نظر گرفته شده است. با وجود این که خصوصی سازی در این کشور همانند سایر کشورها با موانعی نظیر ترس از بیکاری، مقاومت مدیران صنایع و نقایص و مشکلات زیادی مانند بی ثباتی وعدم قطعیت در سیاست گذاری و اجرا، عدم تفویض قدرت کافی، تمرکز شدید، زیادی عرضه و تقاضای ناکافی، ساختار نامناسب بازار سرمایه، عدم همکاری و هماهنگی بین سازمان های وابسته، ساختار قانونی نامناسب سرمایه گذاری مستقیم خارجی مواجه بوده، اما هم اکنون شاهد موفقیت های چشم گیری در واگذاری صنایع بزرگ و شکوفایی اقتصادی است که دلایل موفقیت های اخیر را می توان در جلب حمایت های مردمی، شفافیت در اجرا، ثبات اقتصادی و سیاسی و حمایت قوی دولت تر خصوصی سازی خلاصه کرد. روی هم رفته بخش خصوصی در سیستم اقتصادی ترکیه فعالیت های وسیعی در بخش های مختلف اقتصادی دارد و دولت نیز علاوه بر اداره تعدادی سازمان های اقتصادی دولتی که در کنار بخش خصوصی فعالیت دارند، سعی می کند با حمایت از بخش خصوصی و طرح های اقتصادی آنان، فعالیت های اقتصادی را در کل کشور تحت برنامه منظمی در آورد (وزارت بازرگانی، ۱۳۶۴: ۱۲۹).

۵- ترکیه و جذب سرمایه های خارجی

سرمایه گذاری خارجی در رشد اقتصاد هر کشور تأثیر به سزایی دارد؛ بنابراین همواره در میان کشورهای مختلف جهان رقابت برای جذب این سرمایه ها و حفظ روند فزاینده جذب سرمایه های خارجی وجود دارد.

براساس گزارش اخیر مرکز تحقیقات بین المللی «ک.ا.پی.ام.جی»، رقابت برای جذب سرمایه های خارجی در کشورهای مختلف سبب کاهش نرخ مالیات در این کشورها شد تا سرمایه گذاران را برای حضور در عرصه اقتصادی آنها ترغیب کند. از طرف دیگر

وضع قوانین و سیاست های سرمایه گذاری خاص که ورود سرمایه ها را تسهیل و سودآوری آنها را افزایش می دهد نیز یکی دیگر از راه های جذب این سرمایه ها است.

ترکیه به دلیل دارا بودن بستر مناسب برای سرمایه گذاری و نزدیکی آن به بازار مصرف آسیا یکی از مهم ترین کشورها در جذب سرمایه های خارجی است. از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۰، کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ترکیه فقط ۲۸۸ میلیون دلار بود. از سال ۱۹۸۰ به یمن قوانین آزاد سرمایه گذاری خارجی (سال ۲۰۰۳) که بر اساس آن دیگر تبعیضی بین سرمایه گذاران خارجی و داخلی وجود نداشت، ترکیه تا دسامبر ۹۹۹، ۲۵ میلیارد دلار مجوز سرمایه گذاری خارجی صادر کرد^{۱۲}.

دولت در ژانویه ۱۹۸۰ سیاست آزادسازی اقتصادی را به منظور رشد صادرات اعلام کرد. از اوت ۱۹۸۹، محدودیت ها در مورد جابه جایی سرمایه و اخذ وام از خارج ملغی گردید. در نتیجه، یک نظام حساب سرمایه باز، حتی آزادتر از کشورهای توسعه یافته ایجاد گردید که به صورت غیر قانونی عملیات پولی را در آن کشور رایج ساخت. در ۱۹۹۰ جریان ورود سرمایه به طور ناگهانی آغاز شد و در ۱۹۹۲ رشد شدید سرمایه گذاری با خرید سهام و املاک آغاز شد ولی بحران خلیج فارس تأثیر منفی بر ورود سرمایه کوتاه مدت به ترکیه داشت و بحران مالی ۱۹۹۴ نیز همین گونه عمل کرد. از ۱۹۹۵ بعد از بحران دوم، ورود سرمایه های کوتاه مدت به شدت افزایش یافت؛ به طوری که نسبت ورود سرمایه های کوتاه مدت به تولید ناخالص ملی به ۲/۱ در ۱۹۹۵ و ۳/۷ در ۱۹۹۶ رسید که از مهم ترین نتایج ورود بیش از حد سرمایه به ترکیه بوده است. این مسأله خود موجب کاهش نسبت صادرات به واردات در آن کشور شد (کردزاده کرمانی، بی تا: ۲۷۷).

در سال ۲۰۰۱ میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این کشور به ۲ میلیارد و ۲۷۲ میلیون دلار و در سال ۲۰۰۰ میلادی ۳ میلیارد و ۳۵۲ میلیون دلار بود. آمارها نشان می دهد در سال ۲۰۰۲ میلادی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور ترکیه در مقایسه با سال ۲۰۰۱ میلادی ۱۷٫۱ درصد و در مقایسه با سال ۲۰۰۰ میلادی ۳۵٫۵ درصد کاهش پیدا کرد.

در سال ۲۰۰۳ میلادی (سالی که قانون ۴۸۷۵ سرمایه گذاری مستقیم خارجی تصویب شد) میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ترکیه برابر با ۱ میلیارد و ۷۵۲ میلیون دلار بود و پس از تصویب و اجرای قانون میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی در این کشور ۵۵٫۹ درصد رشد کرد و به ۲ میلیارد و ۸۳۷ میلیون دلار رسید.

در چهار ماه اول سال ۲۰۰۴، اقتصاد ترکیه شاهد رشد ۱۲ درصدی تولید ناخالص ملی بود که نشان دهنده اعتماد سرمایه گذاران به اقتصاد این کشور است (قهرمان پور، ۱۳۸۴: ۲۴۲).

تصویب قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی (۱۷ ژوئن سال ۲۰۰۳ میلادی) و به دنبال آن اصلاح زیر ساخت های اقتصادی و سرمایه گذاری در این کشور آسیایی - اروپایی سبب شد تا درون ریز سرمایه های خارجی به این کشور افزایش چشم گیری پیدا کند و در سال ۲۰۰۵ میلادی به ۹ میلیارد و ۶۶۷ میلیون دلار آمریکا برسد. بر اساس این قوانین، خارجیانی می توانند در ترکیه اقدام به سرمایه گذاری نمایند، در فعالیت های تجاری اشتغال داشته باشند، در بنگاه های اقتصادی مشارکت نمایند، سهام خریداری کنند و نسبت به افتتاح شعب یا دفاتر سرپرستی اقدام نمایند (خوفی، ۱۳۷۸: ۷۲).

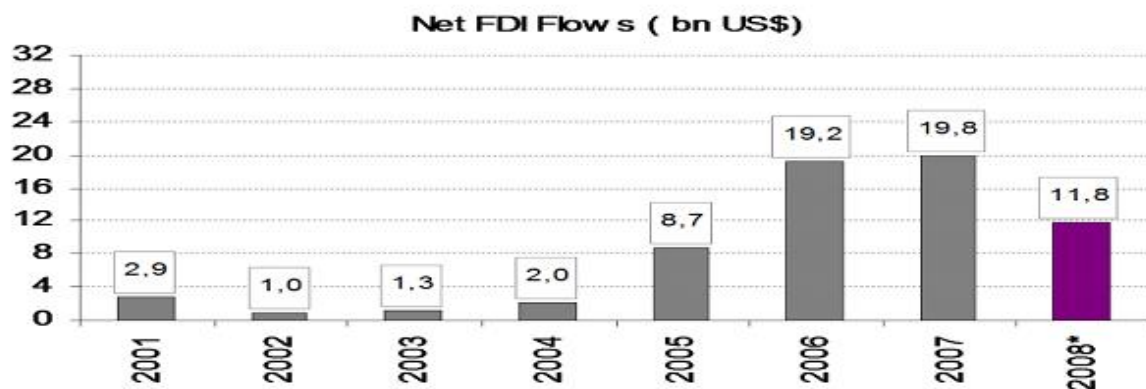
به عبارت بهتر در این سال درون ریز سرمایه های خارجی به کشور ترکیه در مقایسه با سال ۲۰۰۴ میلادی ۳ برابر شد و موفقیتی بزرگ در تاریخ سرمایه گذاری این سرزمین را ثبت کرد.

طبق گزارش تهیه شده توسط وزارت اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۰۵ میلادی ۹۱ درصد از کل سرمایه های خارجی وارد بخش خدمات و ۸٫۵ درصد از کل سرمایه های خارجی وارد بخش تولید شد.

خلاصه روند رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ترکیه ادامه یافت تا اینکه در سال ۲۰۰۶ میلادی درون ریز سرمایه های خارجی به این کشور به ۲۰ میلیارد دلار رسید. در واقع سیاست گذاری های ترکیه سبب شد تا کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی

در ترکیه در یک سال معادل سرمایه گذاری انجام شده در طول یک دهه باشد و این موفقیتی بزرگ برای اقتصاد محسوب می شود (نمودار ۳).

نمودار ۳- وضعیت سرمایه گذاری خارجی مستقیم در خلال سال های ۲۰۰۸-۲۰۰۱



Source: Garanti Security Estimate Institution, 2009.

تحقق میزان سرمایه گذاری در یک سال به مرز ۲۰ میلیارد دلار یک رکورد بی سابقه در تاریخ کشور ترکیه محسوب می شد اما زمانی این رکورد رنگ باخت که مسئولان بانک مرکزی ترکیه با توجه به سیر سرمایه گذاری خارجی در این کشور در نیمه اول سال ۲۰۰۷ میلادی پیش بینی کردند تا انتهای این سال میزان سرمایه گذاری خارجی در ترکیه دو برابر شود و به مرز ۴۰ میلیارد دلار در سال برسد.

با این وجود ورود سرمایه خارجی به اقتصاد ترکیه به اندازه کافی نبوده است. سرمایه گذاران خارجی فعالیت های خود را بیشتر در زمینه هایی که دارای مزیت آشکار است؛ یعنی تأمین مالی تجارت خارجی و بانکداری متمرکز ساخته اند. آنها در مورد تداوم اصلاحات و ثبات نظام مالی اطمینان کافی ندارند. نرخ های قابل ملاحظه بهره و تورم و کاهش نرخ ارز از جمله موانع عمده است. عامل دیگری که از دیدگاه سرمایه گذاران خارجی اهمیت دارد، ثبات سیاسی است (امین اسماعیلی، بی تا: ۱۱۴).

۶- عملکرد دولت ترکیه در مهار تورم

از آغاز تشکیل جمهوری ترکیه، این کشور به دلیل دیون و قرض های سنگین امپراطوری عثمانی دچار مشکلات عدیده اقتصادی بود و تلاش سیاستمداران و دولتمردان این کشور برای کاهش مشکلات اقتصادی معطوف به برنامه ریزی اقتصادی شد. در این راستا از سال ۱۹۳۴ دو برنامه اقتصادی پنج ساله در این کشور اجرا شد که تا حدودی موجب افزایش تولیدات صنعتی این کشور شد. در سال ۱۹۶۲ با تأسیس سازمان برنامه دولتی در ترکیه، اولین برنامه جامع پنج ساله توسعه اقتصادی این کشور با هدف افزایش رشد اقتصادی تنظیم شد که رشد شش و نیم درصدی حاصل اجرای این برنامه بود. با احتساب این برنامه و پس از آن تا سال ۱۹۹۴ شش برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی در این کشور به اجرا گذاشته شد. یکی از اتفاقاتی که بر اقتصاد ترکیه اثر گذاشت، حمله این کشور به قبرس و اشغال بخش شمالی این جزیره بود که باعث شد این کشور متحمل هزینه های سنگینی گردد؛ زیرا مجبور بود بخشی از نیروهای نظامی خود را در این جزیره نگه دارد، مضافاً این که قطع کمک های کشورهای غربی و همین طور تحریم اقتصادی از سوی این کشورها را به دنبال داشت. پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، آمریکا تحریم اقتصادی این کشور را لغو نمود و در کنار آن گسترش مبادلات اقتصادی ترکیه با دو کشور در حال جنگ ایران و عراق موجب تخفیف مشکلات عدیده اقتصادی این کشور شد، اما نتوانست مشکل را حل کند. در پدیدارشناسی تورم، ترکیه به معنای واقعی در دهه ۱۹۴۰ با این معضل مواجه شد. طی سال های جنگ جهانی دوم این کشور با تورم دو رقمی و حتی در سال ۱۹۴۶ با تورم سه رقمی مواجه گردید. در

سراسر دهه ۱۹۷۰ با گسترش آشوب های داخلی، نرخ تورم سالیانه به حدود ۱۰۰ درصد رسید. در ۱۹۸۰، زمان اوج بی ثباتی کشور، تورم به سطح ۱۱۰ درصد به قیمت های خرده فروشی بالغ گردید. طی دهه ۱۹۸۰، به رغم خروج ترکیه از سیاست های جایگزینی واردات و گشودن درهای اقتصادی آن کشور، تورم بالا همچنان ادامه یافت. دهه ۱۹۹۰ که دوران جنگ خلیج فارس و نوسانات اقتصاد جهانی بود، تورم در ترکیه افزایش یافت: به طوری که در سال ۱۹۹۴ به سطح ۱۲۵ درصد به قیمت های عمده فروشی و ۱۰۸ درصد به قیمت های خرده فروشی بالغ شد. (Ann O. Krueger, 1995, p. 344). بانک جهانی به دلیل بالابودن نرخ تورم و کسری فاحش در حساب های بخش دولتی و همچنین بالابودن نرخ بهره در ترکیه به این کشور هشدار داد. به عقیده بانک جهانی: "جهت تأمین استقرار اقتصادی در ترکیه باید درآمدهای مالیاتی افزایش و هزینه های دولتی کاهش یابد، تعداد کارگران تا حداقل ممکن تقلیل داده شود، استخدام در بخش دولتی به حداقل کاهش یابد و از افزایش دستمزدها جلوگیری شود، تدابیر لازم در خصوص واحدهایی که بازده لازم را ندارند و یا ارزش تولیدی کمی دارند اتخاذ شود و بالاخره سیاست خصوصی کردن مؤسسات دولتی تعجیل شود"^{۱۳}.

تورم بالا در کشور ترکیه به کاهش کیفیت تولیدات، ضعف رقابت پذیری اقتصاد و نیز به وخیم تر شدن وضعیت توزیع درآمدها و ورشکستگی مالیاتی کشور نیز منجر شد. گرچه هدف اصلی سیاست های اقتصادی قبلی در ترکیه تأمین رشد پایدار و افزایش اشتغال بود، اما نتایج این سیاست ها بطلان نظریه قدیمی اقتصاد مبنی بر شتاب رشد اقتصادی از طریق سیاست های انبساطی پولی را به اثبات رسانید. از اواخر دهه ۱۹۹۰، توافقات صورت گرفته میان دولت ترکیه و مسوولان صندوق بین المللی پول و تصمیم الحاق کشور به اتحادیه اروپا و لزوم فراهم نمودن پیش شرط های الحاق، موجب شد تا اراده سیاسی نسبت به کاهش سریع نرخ تورم در دولت شکل گیرد، اما با بروز مبارزه واقعی در جهت کاهش تورم آغاز گردید.

کمال درویش کارمند عالی رتبه صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۰۱ میلادی، با شعار اصلاحات اقتصادی و بر اساس یک رشته تصمیمات رادیکال در لحظات بحرانی با سمت وزیر اقتصاد به صحنه اقتصادی ترکیه وارد شد؛ وی با اتکا به اعتبار ۱۶/۲ میلیارد دلاری صندوق بین المللی پول، اصلاحات اقتصادی و برنامه های مالی خود را آغاز کرد. سرعت بخشیدن به خصوصی سازی بانک ها، صنایع، بخش های خدماتی دولتی، کنترل دستمزدها و کاهش مخارج عمومی به منظور جلوگیری از افزایش کسری بودجه و در نهایت کاهش نرخ تورم از رئوس این برنامه بود. بنابراین ترکیه با تکیه بر وام های صندوق بین المللی پول و اتخاذ سیاست های اصلاحی پولی و مالی، بعد از مدت ها توانست یک دولت برخوردار از ثبات اقتصادی را ایجاد کند. به طوری که در ابتدای ژانویه ۲۰۰۱، تورم ۱۰۰ درصد را تا حد ۳۵/۶ درصد مهار کرد، که این رقم کم ترین میزان از سال ۱۹۸۶ میلادی برای این کشور بوده است. اما این ثبات نسبی چندان دوام پیدا نکرد و به علت عدم ثبات سیاسی و اختلافات حزبی در دولت «بلنت اجویت» که از ائتلاف گروه های غیر همسو ایجاد شده بود؛ نه تنها به شکست دولت منجر شد، بلکه وضعیت اقتصادی را نیز دوباره وخیم کرد. به دنبال این دگرگونی، بحران اقتصادی منجر به افزایش هزینه وام های ناشی از بالا رفتن نرخ بهره شد و بانک هایی که به پرداخت اعتبارات ارزان قیمت پرداخته بودند ورشکست و سرمایه های خارجی به سرعت به خارج از کشور منتقل شد. ترکیه دوباره در یک دور باطل بانک های ورشکسته و متزلزل و نرخ بهره بالا و در نهایت افزایش قیمت ها گرفتار آمد (صوفی مجیدپور، بی تا: ۱۵۷).

نرخ تورم ترکیه که در اوایل سال ۲۰۰۲ میلادی در شاخص قیمت های عمده فروشی تا ۹۲ درصد افزایش یافته بود، پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه سیر نزولی خود را آغاز کرد. این در حالی است که کارشناسان در انتظار افزایش نرخ تورم پس از عکس العمل پارلمان ترکیه به درخواست آمریکا هستند. بر اساس اعلام مؤسسه آمار دولتی ترکیه، نرخ تورم این کشور در ۱۱ ماه سال ۲۰۰۲ در شاخص قیمت های عمده فروشی به ۲۷/۵ درصد و در شاخص قیمت های مصرف کننده به ۴۸/۲ درصد رسید. این در حالی است که در ۱۱ ماه سال ۲۰۰۱ این میزان به ترتیب ۸۱/۱ درصد و ۶۳/۳ درصد بوده است (صفایی، ۱۳۸۱).

نتایج برنامه های اقتصادی ترکیه به ویژه اجرای برنامه «هدف گذاری ضمنی تورم» موجب شد تا در پایان سال ۲۰۰۲ نظام اقتصادی ترکیه به نرخ تورم ۴۴/۹ دست یابد، در حالی که در آغاز این سال دستیابی به نرخ تورم مورد انتظار ۴۵ درصدی نیز مشکل می نمود. ترکیه در سال ۲۰۰۳ با دستیابی به نرخ تورم ۱۸/۴ درصدی که کم تر از سطح ۲۰ درصدی مورد انتظار برنامه های اقتصادی بود نیز گام مهم تری در مهار مهم ترین مشکل اقتصادی خود برداشت.

در پایان سال ۲۰۰۴، در حالی که نرخ تورم مورد هدف برنامه های اقتصادی این کشور ۱۲ درصد در نظر گرفته شده بود، نظام اقتصادی عملاً به نرخ تورم ۹/۳ درصد دست یافت که ۲/۷ درصد از حد برنامه نیز کم تر بود. همچنین در پایان سال ۲۰۰۵ نرخ تورم در این کشور به ۷/۷ درصد رسید که از نرخ مورد هدف ۸ درصد نیز پایین تر بوده است. برنامه تدوین شده اقتصادی نرخ تورم ۵ درصد را برای سال ۲۰۰۶ و نرخ تورم ۴ درصد را برای سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ مورد هدف قرار داده است و این چنین از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۰۵ میلادی به دلیل بهره برداری از یک سیاست اقتصادی تقریباً ۳۰ ساله نرخ تورم در ترکیه از مرز ۷۰ درصد به ۷/۷ درصد کاهش یافته که این روند کاهشی هم چنان ادامه خواهد داشت (میرزاخانی، ۱۳۸۵).

باید اشاره کرد که دولت ترکیه برای مهار تورم علاوه بر تمهیدات گفته شده، کسری بودجه را نیز به شدت کاهش داده است به طوری که در نیمه اول سال ۲۰۰۴ میلادی در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته این کسری ۷۰ درصد کاهش یافته است. اکونومیست در سال های اخیر در تحلیل های خود پیرامون وضعیت مالی ترکیه می نویسد: دولت کنونی ترکیه برای رسیدن به استانداردهای مدنظر اتحادیه اروپا در صدد است نرخ تورم را در این کشور به میزان سه درصد کاهش داده و به رقم ۶ درصد برساند. با توجه به وجود زیرساخت های این امر، تحقق چنین هدفی تا سال های آتی میسر خواهد بود. (نشریه کارگزاران، ۱۳۸۶).
(نمودار ۴).

نمودار ۴- وضعیت مهار تورم ترکیه در خلال سال های ۲۰۰۴-۲۰۱۱



Source: Turkey Ministry of Finance 2012. Annual Report.

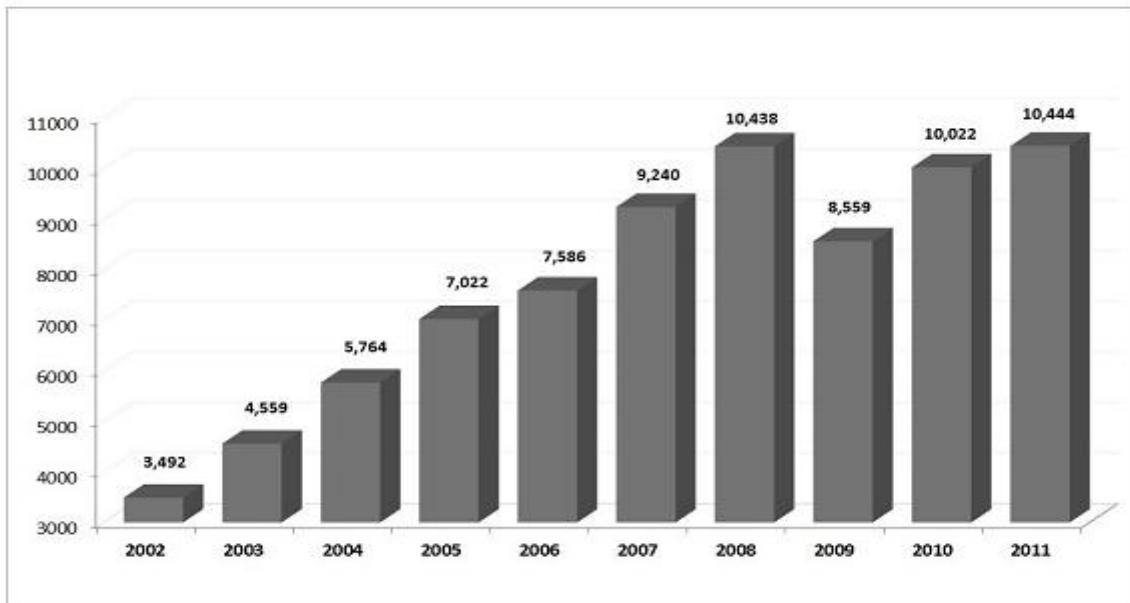
دولت ترکیه تلاش های گسترده ای را در جهت وارد کردن لیره جدید، که شش صفر کمتر از لیره قدیمی دارد، در راستای مبارزه با تورم انجام داده است. از آغاز سال ۲۰۰۵، در ترکیه اسکناس های یک لیره ای، پنج لیره ای، ده لیره ای و بیست لیره ای در گردش خواهند بود و جایگزین اسکناس های معادل به اصطلاح میلیونی خواهند شد. افزون بر این اسکناس های ۵۰ و یکصد لیره ای نیز به جمع اسکناس های تازه اضافه شده اند. نخست وزیر ترکیه، این تغییر و تحولات را انقلابی مهم در تاریخ ترکیه خوانده و متذکر می شود: لیره جدید به زندگی اقتصادی روزمره و همچنین نقل و انتقالات بانکی سهولت بخشیده و باعث بهبود وجه و اعتبار بین المللی واحد پولی کشور خواهد شد.

مقایسه شاخص های کلان توسعه اقتصادی ترکیه از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۱۱

امروزه اقتصاد ترکیه به ثباتی نسبی دست یافته و نرخ تورم در این کشور در اواسط سال جاری میلادی برای اولین بار در طی سی سال گذشته، کمتر از ۱۰ درصد بوده است. دولت ترکیه امیدوار است که در چهار سال آینده بتواند، نرخ تورم را به میزان متوسط تورم در اتحادیه اروپا برساند.

سرنانه تولید ناخالص داخلی ترکیه نیز در خلال این سال ها روند فزاینده داشته است. (نمودار ۵).

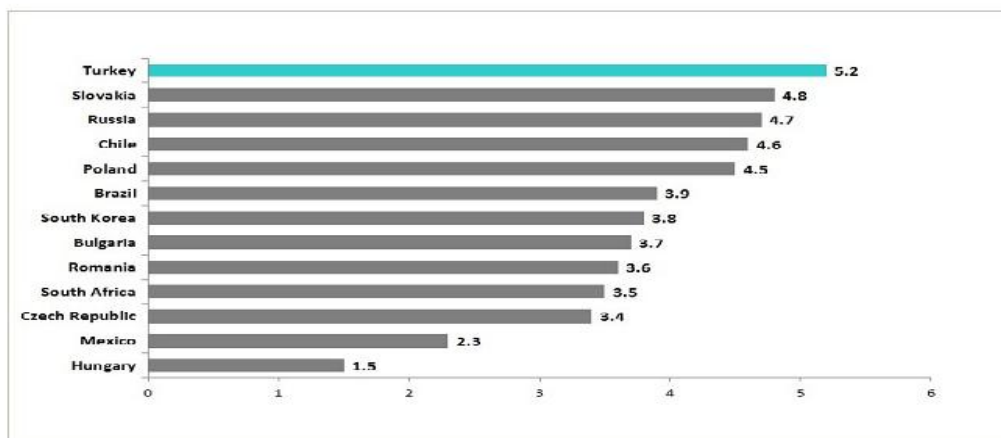
نمودار ۵ - درصد سرنانه تولید ناخالص داخلی (بر اساس قیمت رایج دلار آمریکا)



Source: Turkish Statistical Institute (TurkStat)

متوسط سالیانه رشد درصد واقعی GDP از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۱ ترکیه ۵/۲ بوده که این روند رشد، وضعیت مطلوبی برای این کشور محسوب می شود (نمودار ۶).

نمودار ۶- مقایسه متوسط رشد واقعی GDP ترکیه از سال ۲۰۰۷ تا سال ۲۰۱۱

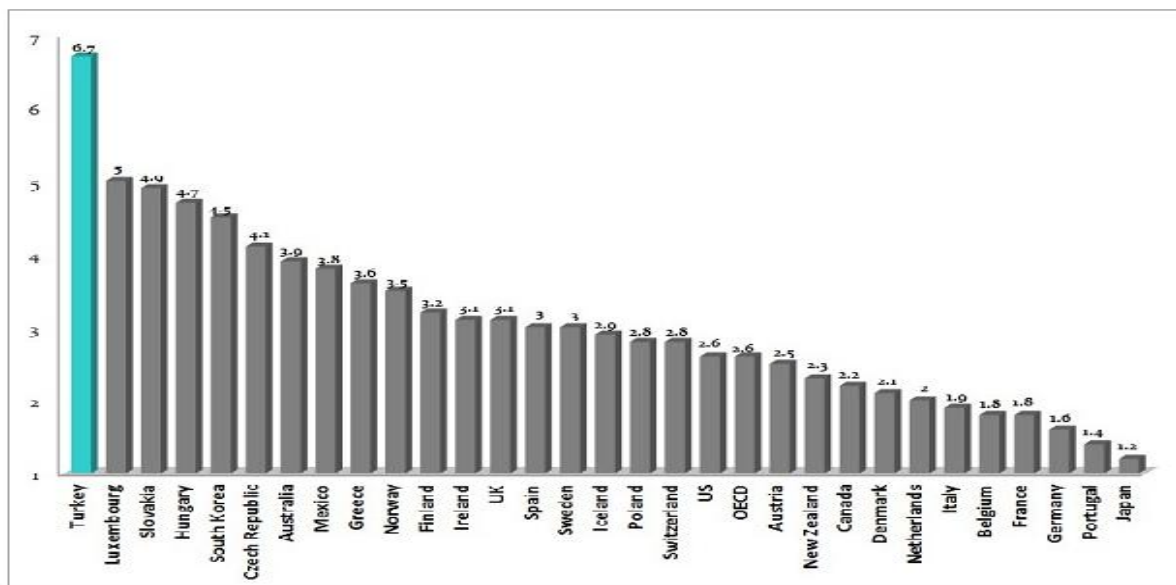


Source: IMF World Economic Outlook April 2012, Turkish Statistical Institute (TurkStat).

سازمان

همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD) متوسط رشد سالیانه تولید ناخالص ترکیه را تا سال ۲۰۱۷ نزدیک به ۷ درصد پیش بینی نموده است (نمودار ۷).

نمودار ۷ پیش بینی متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ترکیه تا ۲۰۱۷ توسط OECD



Source: OECD Economic Outlook No: 86

در مروری بر علل توفیق دولت ترکیه در رفع بحران اقتصادی و کاهش تورم شدید که دامن گیر آن کشور شده بود به عوامل زیر می توان اشاره کرد:

- ۱ - کمک سازمان های بین المللی پولی و مالی از جمله صندوق بین المللی پول به دولت ترکیه.
 - ۲ - تنظیمات مالی و اصلاحات عمیق اقتصادی در ساختار و قوانین که از دوران وزیر اقتصاد (کمال درویش) آغاز شده بود.
 - ۳ - ثبات سیاسی در دو سال اخیر و افزایش اعتماد عمومی مردم به دولت.
 - ۴ - سیاست های کاهش کسری بودجه دولت ترکیه (صوفی مجیدپور، بی تا: ۱۵۸ - ۱۵۹).
- ۷- روند الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا

نخستین شرط یک کشور برای ورود به اتحادیه اروپا قرار گرفتن در قاره اروپاست. اما تنها سه درصد خاک ترکیه در قاره اروپا قرار گرفته است، با این حال ترک ها همواره خواستار شناخته شدن به عنوان یک کشور اروپایی هستند. ارتباط ترک ها با جامعه اقتصادی اروپا و درخواست آنها برای عضویت به سال ۱۹۹۰ بر می گردد. ۳۰ سال طول کشید تا ترک ها، کاندیداتوری خود برای عضویت در اتحادیه اروپا را در سال ۱۹۹۰ در نشست هلسینکی رسماً اعلام کنند. در حالی که یونان همسایه این کشور، در ژوئن ۱۹۵۹ تقاضای عضویت نمود؛ و در سال ۱۹۶۱ پذیرفته شد؛ ترکیه توانست، موافقت نامه آنکارا را در سال ۱۹۶۳ با بروکسل به امضاء برساند و در سال ۱۹۶۴ این موافقت نامه به مرحله اجرا درآمد. در واقع به نظر می رسد، ترکیه برای عضویت کامل در اتحادیه سه مرحله را می باید پشت سر گذارد: ۱. مرحله مقدماتی؛ ۲. مرحله انتقال و گذار و ۳. مرحله نهایی. مرحله مقدماتی، از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳ را در بر می گیرد، که در آن جامعه اقتصادی اروپا، از لحاظ مالی به ترکیه کمک نمود. مرحله انتقال و گذار، ۲۲ سال طول کشید و در این دوره دو طرف کوشیدند؛ موانع تجاری و مشکلات تعرفه ای را برطرف سازند و در مرحله نهایی پس از گذراندن دو مرحله قبلی در این مرحله می باید الحاق ترکیه به اتحادیه بررسی می شد.

در جریان برگزاری اجلاس لوکزامبورگ، اتحادیه در ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۷ پیرامون شرایط کشورهای عضو برای سال ۲۰۰۰ تصمیم گیری نمود. شش کشور در موج اول پذیرش قرار گرفتند (لهستان، مجارستان، جمهوری چک، اسلوانی، استونی و جمهوری قبرس) در حالی که موج دوم شامل ۵ کشور اسلواکی، لاتویا، لیتوانی، بلغارستان و رومانی بود و ترکیه از فهرست کشورهای عضو

اتحادیه اروپا خارج شد. به علاوه در جریان برگزاری اجلاس لوکزامبورگ اتحادیه اروپا در مورد پیوستن جمهوری قبرس بدون در نظر گرفتن بخش ترک نشین تصمیم گیری شد.

روابط ترکیه - اتحادیه اروپا، به مدت ۲ سال تا برگزاری اجلاس هلسنکی تیره ماند. اتحادیه در گزارش ۱۹۹۹ اعلام کرد ترکیه باید به عنوان یک کشور عضو اتحادیه در نظر گرفته شود. اگر چه کمیسیون تاریخ معینی را برای آغاز مذاکرات پیرامون الحاق ترکیه تعیین نکرد. ولی عنوان داشت که این کشور، باید به تعهدات گمرکی خود ادامه دهد؛ در نومنکلاتورای، اصول اتحادیه را مراعات کند و پرسنل اداری خود را آموزش دهد. همچنین مطابق گزارش کمیسیون ترکیه برای آغاز مذاکرات درباره پیوستن اتحادیه اروپا مطابق معیارهای سیاسی، اجلاس کپنهاگ (۲۰۰۲) عمل کند.

پس از اجلاس هلسنکی، کمیسیون اتحادیه سند شراکت را در نوامبر ۲۰۰۰ آماده کرد و در این سند با کمیسیون قید کرد که ترکیه طی یک دوره کوتاه (یک ساله) و دوره متوسط (یک تا ۴ ساله) مذاکراتی با اتحادیه به عمل آورد. در دسامبر سال ۲۰۰۲ رهبران اتحادیه اروپا در نشست کپنهاگ برگزار شد؛ متعهد شدند که در دسامبر ۲۰۰۴ در خصوص موضوع عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تصمیم گیری کنند. سرانجام در ۱۷ دسامبر سال ۲۰۰۴ رهبران ۲۵ کشور اروپایی بر سر گفت و گو با ترکیه در سوم اکتبر ۲۰۰۵ به توافق رسیدند (واحد ناوان، ۱۳۸۳: ۶۱).

موافقان و مخالفان:

حامیان الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، مانند آمریکا و انگلیس معتقدند که عضویت ترکیه می تواند به تقویت نهادهای دموکراتیک در این کشور منجر شود، اقتصاد اتحادیه را تقویت کند و پاداشی برای ترکیه به خاطر موضع قوی و باثباتش در حمایت از ناتو باشد. آنها معتقدند که ترکیه تمام شرایط الحاق را می تواند تأمین کند. در واقع درخواست ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا انگیزه اصلی این کشور برای انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی داخلی است (Graham E. Fuller, 2004, p.57).

در این حال مخالفان الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا نیز دلایل مختلفی ذکر می کنند که از جمله آنها این که ترکیه دارای جمعیت بزرگی با نرخ رشد سریع است (جمعیت ترکیه در حال حاضر حدود ۷۰ میلیون نفر است)، فقر در این کشور بالا است و درباره سازگاری فرهنگی این کشور با اروپا شک و تردید وجود دارد. آنها همچنین بر این نظرند که فقط بخش کوچکی از سرزمین ترکیه در قاره اروپا واقع شده است، این کشور از به رسمیت شناختن دیپلماتیک جمهوری قبرس به عنوان دولت قانونی حاکم بر این جزیره امتناع کرده و علیه ارمنستان تحریم های اقتصادی وضع کرده است. بسیاری از مخالفان معتقدند که دولت حاکم در ترکیه هنوز به بسیاری از اصول کلیدی دموکراسی لیبرال احترام نمی گذارد، چرا که علیه اقلیت های قومی نظیر کردها تبعیض آشکاری روا می دارد و شکل افراطی از سکولاریسم تحمیلی را بر ضد منافع اکثریت مسلمانان این کشور اجرا می کند. اتحادیه اروپا نگرانی هایی را نیز درباره رشد ناسیونالیسم در ترکیه ابراز می دارد (نشریه کیهان، ۱۳۸۴).

یکی دیگر از جنبه های مخالفت این افراد، مسأله اسلام و مردم مسلمان ترکیه است. رهبران اروپا حاضر به پذیرفتن کامل مسلمانان در بین خود نیستند. دولت ترکیه در زمینه برخی معیارهای تعیین شده از سوی اتحادیه اروپا برای پیوستن به این اتحادیه که به نوعی با اسلام و قوانین اسلامی ضدیت دارد، به بن بست رسیده است (نشریه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۳).

دولت ترکیه بسیاری از شرایطی که اروپا برای آغاز گفت و گو معین کرده است، برآورده نکرده است. در این حال، مخالفت جدی در اتحادیه اروپا فقط نه با ورود ترکیه به اتحادیه بلکه حتی آغاز گفت و گوها بروز کرده است. این مخالفت در سطح عمومی با برگزاری همه پرسی در فرانسه و هلند و در بیانیه دولت اتریش و سیاستمدارانی از قبیل نیکولا سارکوزی در فرانسه و آنجلا موکل در آلمان دیده می شود. نظرسنجی های اتحادیه اروپا نشان می دهد ۵۲ درصد اروپایی ها با ورود ترکیه مخالف و ۳۵ درصد موافق آن هستند (محتشم و هالیدی، ۱۳۸۴).

اقتصاد لرزان

دولت ترکیه شاید با تلاش های همه جانبه بتواند به بحران سیاسی به ویژه بحران قبرس خاتمه دهد و خواسته های اروپایی ها را برآورده کند اما باید اعتراف کرد که اقتصاد این کشور در مقایسه با اقتصاد کشورهای عضو اتحادیه اروپا بسیار ضعیف است. بر اساس اطلاعات و ارزیابی های مرکز ارزیابی های کمیسیون اروپا، پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا سالانه ۲۸ میلیارد یورو برای این اتحادیه هزینه دارد. بنابراین دولتمردان ترکیه از آغاز دهه ۱۹۹۰ تلاش های گسترده ای برای فائق آمدن بر بحران های اقتصادی آغاز کرده اند، اما اقتصاد در این کشور همواره تابع سیاست بوده است، به نحوی که تنش های سیاسی موجب رکود اقتصادی در ترکیه شد، اوج این بحران به سال های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ بر می گردد.

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ثبات سیاسی و اقتصادی نیز به ترکیه بازگشت. این کشور در سال ۲۰۰۲ با رشد اقتصادی ۸ درصد و در سال ۲۰۰۳ با رشد اقتصادی ۶ درصد مواجه شد. با این وجود تحلیلگران، ترس اروپایی ها را نه به خاطر مسلمان بودن ترکیه، بلکه به دلیل ضعف اقتصادی این کشور در مقایسه با سایر اعضای اتحادیه اروپا دانسته و نسبت به پیوستن ترکیه با اقتصاد شکننده به اتحادیه اروپا اظهار نگرانی می نمایند. (واحد ناوان، ۱۳۸۳: ۶۱ - ۶۲).

حزب اسلام گرای عدالت و توسعه، با نگرشی مثبت به عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نگاه می کند. اردوغان وعده داده است که شرایط اتحادیه اروپا مبنی بر دموکراسی سازی و حل بحران قبرس را بپذیرد (Marcie J. Patton, 2006, 515).

شش هفته بعد از انتخابات نوامبر ۲۰۰۲، رجب طیب اردوغان اعلام کرد که هدف اصلی اش متقاعد کردن رهبران اروپا برای معین کردن «تاریخ مشخصی» برای شروع مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا است. اردوغان به خوبی به آرزوی دیرینه مردم ترکیه مبنی بر پذیرفته شدن به عنوان شریکی برابر در اروپا واقف بود. هدف اصلی حزب عدالت و توسعه در حمایت از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، در مرحله اول این است که از این اتحادیه به عنوان یک سپر محافظ کمالیست ها استفاده کند (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۸).

کوتاه سخن اینکه ترکیه تا ۲۰ سال آینده به اتحادیه اروپا نخواهد پیوست؛ اما پیروزی اردوغان در بروکسل و تعیین زمان (سوم اکتبر ۲۰۰۵ میلادی) برای آغاز گفت و گوهای ترکیه با اتحادیه اروپا سبب افزایش محبوبیت اردوغان و حزب تحت رهبری وی، عدالت و توسعه شد.

جمع بندی

این مقاله نشان می دهد که عامل تعیین کننده توسعه، به رغم تجربه های متفاوت، کارآمد بودن دولت است. وجود دولت کارآمد و توسعه گرا، برای فراهم آوردن کالاها و خدماتی (مقررات و نهادهایی) که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد و مردم را به سوی زندگی سالم تر و سعادتمند تر سوق دهد، حیاتی است. بدون وجود چنین دولتی، توسعه پایدار، غیر ممکن است. دولت در فرایند توسعه نقش مرکزی دارد؛ با این حال نه به عنوان فراهم کننده مستقیم رشد بلکه به عنوان یک شریک، عامل تسریع کننده در روند توسعه است.

ویژگی های دولت توسعه گرا در ترکیه عبارت است از:

- ۱ - تولید و صدور محصولات صنعتی ساخت داخل
- ۲ - شکل گیری نهادهای قانونمند در جهت افزایش کارایی بخش خصوصی
- ۳ - تسهیل در امور سرمایه گذارای و تشویق سرمایه گذاران خارجی برای ورود سرمایه به کشور
- ۴ - کنترل تورم از طریق افزایش عرضه و شکل گیری بازار رقابتی
- ۵ - امکان دسترسی صنعت و تولید به وام و تسهیلات ارزان قیمت
- ۶ - کنترل سیاست های پولی و مالی منطقی و اعمال آن از طریق دولت و ...

۷- اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی

۸- پیوندهای تجاری با اتحادیه اروپا

شواهد نشان می دهد که در کشور ترکیه دولت توسعه گرا و کارآمد به وجود آمده است و این دولت در هماهنگی با بخش خصوصی توانسته است رشد و توسعه اقتصادی را برای کشور به ارمغان آورد. در ۱۹۸۳، زمانی که تورگوت اوزال به نخست وزیری رسید، در اقتصاد به شدت متمرکز ترکیه، اصلاحاتی ایجاد کرد و این کشور را در مسیر رشد و توسعه اقتصادی قرار داد. پس از او در دوران حزب عدالت و توسعه، اردوغان، سرمایه داری و اسلام را با هم در تضاد نمی دید. او به تبعیت از علایق اقتصادی مسلمانان طبقه متوسط که مهم ترین پشتیبان انتخاباتی حزب عدالت و توسعه هستند، اقتصاد کشور را باز و آزاد اعلام کرد و امروز توانسته است پایگاه اجتماعی و حمایتی خود در میان جامعه را توسعه بخشد. اکنون ترکیه، به شانزدهمین اقتصاد برتر جهان تبدیل شده است و رشد اقتصاد این کشور، سه برابر بیشتر از دیگر کشورهای اروپاست.

پی نوشتها

1. David Apter
2. Dudley Seers
3. Post Washington Agreement.
4. Josef Stieglitz.
5. Ataturk.
5. Türkiye Odalar ve Borsalar Birliği (TOBB), English: Union of Chambers and Commodity Exchanges of Turkey.
6. Türk Sanayicileri ve İşadamları Derneği, (TÜSİAD), English: Industry and Business Association:
7. The National Salvation Party.
8. International Monetary Fund
9. Gross National Production.
10. Müstakil Sanayici ve İşadamları Derneği (MUSIAD), English: The Association of Independent Industrialists and Businessmen.
11. <http://www.magiran.com>
12. www.noormags.com

منابع

۱. ابوتراب، لطف الله (۱۳۹۰). حزب عدالت و توسعه؛ ترکیه در آزمون بیداری اسلامی. **ماهنامه پاسدار اسلام**، سال سی و یکم، شماره ۳۶۴-۳۶۵.
۲. امین اسماعیلی، حمید (بی تا). پیشینه و کارکرد سیاست تعدیل اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته، نگاهی به تجربه مصر و ترکیه. **اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۷۳-۷۴، ص ۱۱۰-۱۱۹.
۳. استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲). **نقش دولت در جهان معاصر، در دولت، فساد و فرصت های اجتماعی**. ترجمه حسین راغفر، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
۴. بانک جهانی (۱۳۷۸). **گزارش توسعه جهانی ۱۹۹۷، نقش دولت در جهان در حال تحول**، ترجمه گروه مترجمین مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۵. بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۹). **قیاسی بر توسعه ایران و ترکیه، دنیای بهتر**، شماره ۱۹، ص ۵-۹.
۶. حسینی سید شمس الدین و شفیعی، افسانه (۱۳۸۶). **نقش دولت در اقتصاد و توسعه؛ مطالعه تجربه ایران، اقتصاد و جامعه**، سال سوم، شماره یازدهم، ص ۱۳۱-۱۷۴.
۷. خزایی، محسن (۱۳۸۶). **تلاش ترکیه برای ثبات اقتصادی پویا. نشریه ایران**، ۸/۷/۱۳۸۶، بازایی: ۱۹۹۰۰۵۲۱.
۸. خوفی، منوچهر (۱۳۷۸). **راهنمای صادرات به ترکیه**. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۹. روستایی، فرزانه (۱۳۸۱). **دوم خرداد ترکیه ای. نشریه همشهری**، ۱۳۸۱/۸/۱۵، بازایی: ۱۲۹۰۱۰۸۴.
۱۰. شامبیانی، هوتن (۱۳۸۷). **بورژوازی ملی در ترکیه و ایران**، COMPARATIVE POLITICS (سیاست مقایسه ای)، جلد ۲۶، شماره ۳، آوریل ۱۹۹۴، ص ۳۰۷-۳۳۱، برگردان: چشم انداز ایران، ص ۱۹۶.
۱۱. صوفی مجیدپور، مسعود (بی تا). **علل کاهش تورم در ترکیه، گفتگو**، ص ۱۵۵-۱۵۹.
۱۲. صفایی، محمد (۱۳۸۱). **ترکیه؛ مشکلات اقتصادی؛ آینده مبهم، نشریه همشهری**، ۱۳۸۱/۱۲/۱۷، بازایی: ۱۳۳۰۱۰۰۴.

۱۳. علوی پیام، علی (۱۳۸۹). آتاتورک زهراگین ترین تیر دونه. **امتداد، ماهنامه فرهنگ و ادب مقاومت**، شماره ۵۴.
 ۱۴. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰). **اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل**. تهران، سمت.
 ۱۵. قهرمان پور، رحمان (۱۳۸۴). **کتاب آسیا (۴) ویژه مسائل ترکیه، اصلاحات اقتصادی در ترکیه و چالشهای پیش رو**، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ص ۲۱۵ - ۲۲۹.
 ۱۶. قاسمی، صابر (۱۳۷۴). **ترکیه**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
 ۱۷. کوهنورد، نفیسه (۱۳۸۶). چرا عدالت و توسعه، **نشریه همبستگی**، ۳/۵/۱۳۸۶، بازیابی: ۱۹۶۰۲۲۸۹.
 ۱۸. کرد زاده کرمانی، محمد(بی تا). ورود سرمایه های کوتاه مدت و تأثیر آن بر ساختار اقتصاد کلان ترکیه، **خاورمیانه**، ص ۲۷۹ - ۲۸۸.
 ۱۹. گروه اقتصاد جهان سرمایه (۱۳۸۶). نگرانی های مشترک صاحبان صنایع و بازرگانان اسلام گرا و لائیک ترکیه از چالش های سیاسی: توسیعد و موسیعد. **نشریه سرمایه**، ۱۵/۲/۱۳۸۶، بازیابی: ۱۹۳۰۵۱۸۵.
 ۲۰. لفت ویچ، آدریان (۱۳۷۸). **دموکراسی و توسعه**. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
 ۲۱. مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۴). **دولت و توسعه اقتصادی در ایران**. تهران: نشر قومس.
 ۲۲. موثقی، احمد(بی تا). بررسی تجربه نوسازی فرهنگی و سیاسی در ترکیه در فاصله سال های ۱۹۲۰ - ۱۹۵۰، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، ص ۱۵۲ - ۸۴.
 ۲۳. مومنی، فرشاد (۱۳۷۴). **کالبدشناسی یک برنامه توسعه**، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.
 ۲۴. میرزاخانی، علی (۸۵/۴/۱۲). **نشریه دنیای اقتصاد**، ۱۲/۴/۸۵، بازیابی: ۱۸۲۰۱۸۷۲.
 ۲۵. واعظی، محمود (۱۳۸۷). تجربه جدید در ترکیه؛ تقابل گفتمان ها، **راهبرد**، شماره چهارم و هفتم، ص ۴۵ - ۴۷.
 ۲۶. واعظی، محمود (۱۳۸۷). میانه روهای کارآمد؛ علل پیروزی اسلام گرایان در ترکیه و پیامدهای آن، **ماهنامه همشهری دیپلماتیک**، شماره ۱۷.
 ۲۷. وزارت بازرگانی (۱۳۶۴). ترکیه؛ بررسی مسائل کشورها، شماره ۷، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
 ۲۸. واحد ناوان، عارف (۱۳۸۳). اتحادیه اروپا در یک نگاه، **گزارش** شماره ۱۶۰، ص ۶۰ - ۶۳.
 ۲۹. هالیدی، فرد و محتشم، رضا (۱۳۸۴). آنکارا در برابر سه چالش. **نشریه همشهری**، ۲۶/۵/۸۴، بازیابی: ۱۶۹۰۱۵۹۹.
 ۳۰. ----- (۱۳۸۱). تأملی بر شکست لائیک ها در ترکیه، مغرب و بحرین، **نشریه جمهوری اسلامی**، (۱۳۸۱/۹/۱۳)، بازیابی: ۱۳۰۰۱۱۹۳.
 ۳۱. ----- (۱۳۸۳). سنت گراهای سنت شکن، **نشریه اعتماد**، ۲۳/۷/۸۳، بازیابی: ۱۵۷۰۰۹۹۵.
 ۳۲. ----- (۸۵). موفقیت دولت ترکیه در مدیریت اقتصاد. **نشریه ابرار**، ۵/۲/۸۵، بازیابی: ۱۷۹۰۱۹۸۰.
 ۳۳. ----- (۱۳۸۶). نرخ تورم ۴ درصدی در ترکیه، **نشریه کارگزاران**، ۲۲/۱/۸۶، بازیابی: ۱۹۲۰۱۷۷۵.
 ۳۴. ----- (۸۴). اروپا و معضلی به نام ترکیه مسلمان، **نشریه کیهان**، ۱۱/۷/۸۴، بازیابی: ۱۷۱۰۱۶۹۸.
 ۳۵. ----- (۸۳). ترکیه در مسیر پر پیچ و خم پیوستن به اتحادیه اروپا، **نشریه جمهوری اسلامی**، ۲۹/۷/۸۳، بازیابی: ۱۵۷۰۱۹۹۷.
 36. Adelman, Irma (1999). **The Role of Government in Economic Development**, California Agricultural Experiment Station Giannini Foundation of Agricultural Economics .
 37. Ali H. Bayar (1996). **The Developmental State and Economic Policy in Turkey**, Third World Quarterly, vol.17, No. 4, pp. 773 – 785 .
 38. Anne O. Krueger (1995). **Partial Adjustment ad Growth in the 1980s in Turkey**, University of Chicago Press, p. 343 – 368 .
 39. David E. Apter (1987). **Rethinking Development**, Sage Publications , Inc., California.
 40. Dudley Seers, (1979). **The Meaning of Development**, in David lehmann (ed.), **Development Theory : four critical study** , cass, London.
 41. Fred W. Riggs (1984). **Development**, in Giovanni Sartori (ed.), **Social Sciences concepts**, Sage Publications , London, p.126
 42. Graham E. Fuller (2004). **Turkey's Strategic Model: Myth and Realities**, The Washington Quarterly, p.51-64 .
 43. Marcie J. Patton (2006). The Economic Policies of Turkey's AKP Government: Rabbits From a Hat ?, **Middle East Journal**, Volume. 60, No. 3, p.513 – 536 .
 44. Stiglitz, Joseph (1998a), **Toward a New Paradigm for Development: Strategies, Policies, and Processes**, Given as the Prebisch Lecture at UNCTAD, Geneva.
- = <http://NOORMAGS.COM> جهانی بانک جهانی.
- = <http://www.magiran.COM> قانونی که اقتصاد ترکیه را متحول کرد.